

سازمان بیکتر در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه



# بیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹ بهای ۲۰۰ ریال

یا زده هم شهر یورما سال گذشته ،  
چکمه پوشان مسلح وابسته به رژیم دد منشا نه  
به روستای "قارنا" حمله کردند و نزدیک به ۷۰  
نفر از پیرمرد ۷۰ ساله تا کودک ۴ ساله را بخون  
کشیدند این جلادان ، چمران مزدور اسلحه داده و ذهن  
آنان را موج تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی آماده کرده بود ...  
اینک یکسال پس از آن جنایت هولناک ، خلق قهرمان  
کردیکسره از "وعده و وعیدها" دل کننده و مضمم است تابا  
مقاومت مسلحانه و بحق خویش از موجودیت و حقوق خود دفاع  
کنند . مرگ بر جلادان خلق کرد ، درود بر شهدای بخون خفته قارنا

## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

- تبذیر کمونیستی و ضدجا هدینی و حملات هیستریک اخیر دستگا های  
وابسته به رژیم جمهوری اسلامی علیه کمونیستها و محاهدین خلق ، ما هیست  
رژیم را بیش از پیش بر تنده ها عیان ساخت .
- رهبری فعلی محاهدین هرگز نفع خود ندارد است که تمام حقیقت گذشته  
محاهدین را به تنده ها بی بهانه و کادرا ی جوانش با زکوبید ، چرا !؟

صفحه ۷



یکسال از قتل عام در "قارنا" گذشت ! ...

## فتوای جاگم شرع!

خون انقلابیون جلال است !!

صفحه ۲

## نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

وزیر کار : "بعضی از آقایان می  
گویند لغو سود ویژه ، هیچ فویدی نداشت ...  
ما حتی مجبور شدیم به علت فشاری که به  
ما می آمد حدیث را اطلاع بدهیم ... که  
از اسفا در کوبه سخنان خود را می کنند ...  
باز آمدن خرد اید از این تار ستر میشد ...  
ما میسریم ، با توجه به اینکه کار  
گران با لغو سود ویژه مخالف هستند ، چه  
کسانی جز ما به داران و کادرا فرمایان  
به وزارت کار رفتا ر میا وردند ؟

## توجه کنید!

فتوایی از  
آیت الله خمینی  
در تقدیرس مالکیت

زحمتکاران بوجه کنند!  
کسانی که خانه و زمین ندارند بوجه کنند!  
کسانی که ا نظاره اشتند در جمهوری  
اسلامی جانی برای رستخواران و مفتخوار  
- ان و سرمایه داران نخواهد بود توجه  
کنند!  
کسانی که فکر میکنند جمهوری اسلامی  
قدمی است بجلوه نه عقب توجه کنند!

صفحه ۶

وزیر کار در خلال سخنان و استود  
میکرد که اگر به کارگران سود ویژه  
برداخت نمود تورم بیشتر میشود!  
ما میسریم : بطور روشنکده و میای  
جدید بیلیون تومان به سرمایه داران  
میسرد از "بیت المال" و "بالا رفتن"  
تورم یادمان میروند ، اما درست موقعی  
که قرا را است سود ویژه را که ضمنی از  
دستور دنا چیز کارگران است برود از  
یادمان می آید که تورم بالا می رود ؟

صفحه ۴

باند بختیار ،  
اشرف و اویسی  
همچنان توطئه  
میکند

صفحه ۱۶

جنبش کارگری  
و بحر ان  
روپزیونیسم در  
لهستان

صفحه ۱۴

## در صفحات دیگر این شماره:

- معین فر : ساواکی مکتبی !! صفحه ۱۶
- پیرامون فاجعه کجساران و تحرك نیروهای انقلابی صفحه ۱۵
- موضعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق (۲) صفحه ۱۰
- سالگرد شهادت رفقا : حسن آلاپوش و رفعت افراز صفحه ۱۳
- رزمندگان و مسئله روپزیونیسم و سوسال امپریالیسم شوروی (۳) صفحه ۸

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران



# جنبش کارگری



## پیروزی کارگران رادیو شهاب با بهره گیری از سلاح همبستگی

روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ کارگران کا رخا نه را دیو شهاب (قسمت تجاری و کابینت سازی واقع در شرق تهران که حدود ۵۵ نفر هستند) بدنبال مبارزات طولانی و چندین ماهه خود در محل دفتر شرکت در خیابان جمهوری متحصن شده و اعلام کردند تا زمانی که حقوقشان بردها خست نشود از خروج کارفرما جلوگیری میکنند.

کارفرما قبلا اعلام کرده بود که میخواهد پس از تمام شدن کابینت های نیم ساخته کا رخا نه را تعطیل کند. بهمین خاطر کارگران تصمیم میگیرند که تا زمانی که کارفرما مواد داخله را رد نکنند از خروج کابینت های ساخته شده جلوگیری نمایند. از طرف دیگر کارفرما هم چپسل روزی بود که حقوق کارگران را بردها خست نمیکرد و در این مدت آنها خیلی تحت فشار مالی بودند اگر چه شورای کارگران (که از عناصر مبارزی تشکیل شده است) بسا ایجا صندوق اعتصاب تا حدی احتیاجات آنها را بر آورده میکرد، اما آنها همچنان تحت فشار مالی قرار داشتند. کارگران پس از کار و کابینت گیری کارفرما خواستار بردها خست حقوق خود و تعیین تکلیف کا رخا نه شدند.

بعد از ظهر همین روز کارفرما به بیجا نه تماس با خانواده اش، به بیجا نه را خبر میدهد و آنها نما بندگان کارگران را با خود میبرند. در محل سباه سا کارگران بدرفتاری میشود و حتی یکی از آنها را کتک زده و در مقابل از کار فرما حمایت میکنند که البته از بیجا نه را در سرما به جزا بن هم نظاری نیست با اینهمه معاومت و یکبار چکی کارگران آنها را مجبور میکنند که در مقابل خواست کارگران تسلیم شوند از اینرو کارفرما حقوق کارگران را بردها خست کرده و میگوید تا عید کارگران تولید کنند و بعد از عید هم اگر خواستند این قسمت را تعطیل کنند کارگران را در قسمت مونتاژ تلویزیون بکار میگیرند، به این ترتیب کارگران پیروز شده بعد از ظهر همان روز به سرکار خود بر میگرددند.

در ضمن کارگران قسمت مونتاژ هم از این عمل کارگران (قسمت تجاری) حمایت کرده و در قسمت خود جلوی سرپرستها و عواما مل کارفرما را که میخواهند تنده محل تحصن رفته و آنجا را بهم بریزند میگیرند. پیروز با دمبارزات حق طلبانه کارگران

## مبارزه کارگران تراکتورسازی تبریز در اعتراض به افزایش ساعت کار، انحلال شوراها، اخراج کارگران مبارز و...

۲- کارگران هر قانونی را که از لادیکته شود کما نیکه هرگز در دکارگران نمی شناسند آنرا تصویب کرده با شنیدن خواهند پذیرفت... تا ما خودمان در تدوین و تهیه قانون کار شرکت ندها شده با شیم، قوا بسن آن مورد قبول ما نخواهد بود.

۳- ما خواستار بازگرداندن کارگران اخراجی بویژه آقای تفرشی میباشیم.

۴- ما خواستار ۴۰ ساعت کار در هفته، تعطیل پنجشنبه ها و... میباشیم.

هنگامیکه این سخنخواستهای کارگران را اعلام میکرد صفوی با لحنی محقانه ای آنها را بمسخره می گرفت. در این موقع وی فریاد کشید: "نخست آقای صفوی!" صفوی زیر بار کما نیکه ای بر گزیده و سخن کارگران و حجت رده خود را جمع کرد.

پس از پایان سخنان این کارگر مبارز، بقیه با کف زدنهای خود حرفهای او را تائید کردند. صفوی نیز تا گزیر با بقیه ها همگی نشان داد ولی پیش خود فکر میکرد که چگونه با این کارگران روبرو شود. وی بهنگام صحبت بسا رکوشید تا از با سخ مستقیمه خواه استیای کارگران شانه خالی کند. اما کارگران اعلام کردند که روز شنبه ۵۹/۵/۲۵ برای گرفتن پاسخ خواه استیای خود در میدان قیام اجتماع خواهند کرد.

در اینروز (۵۹/۵/۲۵) تا ساعت ۹ صبح حدود ۲۰۰ نفر در میدان قیام اجتماع کردند در این میان کارگران وابسته به حزب توده برای بهنگت کما نیدن مبارزه کارگران شروع به مسیاشی کردند. آنها مسئله کودتا و خطرسقوط رژیم را پیش میکنند و می گفتند که در این بقیه در منحه ۴

بدنبال مدورا اطلاعیه های از طرف کارخانسه تراکتور سازی تبریز، مبنی بر اخاف نشدن ساعات کار در هفته به ۴۴ ساعت و شش روز کار در هفته بدون ناها ر، همچنین انحلال شوراها و کم شدن مرخصی سالانه و سایر قوانین ضد کارگری، بتدریج زمزمه اعتراض بین کارگران آغاز میگردد و با تلاش کارگران آکا هومبارز سرانجام صبح روز شنبه ۵۹/۵/۲۱ حدود سیصد نفر از کارگران دست از کار کشیده و در سالن قسمت اداری اجتماع میکنند. آنها شامر میدادند: "البسی هفته در قخ ساعت (کار هفته ای چهل ساعت)" کارگر لبریرا ولسون، آمریکا نابودا ولسون" (کارگران متحد شوند، آمریکا نابودا بشود) (کارگر لبریرا ولسون، شورا لارتشکیل اولسون" (کارگران متحد شوند، شوراها تشکیل بشه) "کارگر لبریرا ولسون، پنجشنبه تعطیل اولسون (کارگران متحد شوند، پنجشنبه ها تعطیل بشه)

پس از مدتی شعار دادن حدود ساعت ۹/۳۰ صبح صفوی مدیر عامل جدید که از طرف سازمان گسترش و توسعه سازی صنایع معرفی شده است، بمیان کارگران میروود تا با صلاخ به خواه استیای آنها پاسخ گوید. در این هنگام از آنجا که سالن مذکور کوچک بود و تعداد کارگران به حدود سیصد نفری میرسد آنها بیجا نه دگردند که میدان قیام بیرون تا تجدید عهدی همبار روزهای بر شکوه جنبش مردم کردها شد! کارگران در حالیکه باهای خود را محکم به زمین می گویند ندبا تکارا رها می مذکور با شورتوق چشمگیری بطرف میدان قیام حرکت میکنند. در حین حرکت، دسته های دیگری از کارگران به صف دوستان نشان می بسوسند بطوریکه وقتی صفوی میخواست صحبت کند پیش از ۷۰۰ نفر اجتماع کرده بودند. (البسته از کارمندان کسی شرکت نکرده بود.)

در این اجتماع ابتدا چند تن از کارگران صحبت کردند و در خلال سخنان نشان نسبت به انحلال شورا، اخراج شما بندگان نشان بخصوص تفرشی اعتراض کرده و خواستار تدوین قانون کار با حضور شما بندگان واقعی کارگران شدند. سپس سخنگوی کارگران خطاب به صفوی خواه استیای کارگران را بصورت زیر بیان کرد:

۱) ما خواستار تشکیل هر چه بود شورا هستیم.

۲) البته نه شورا ای فرما بسی که لایحه ای بنا رگی اعلام ندهد و چاقی است علیه کارگران، بلکه شورا ای که بطور مستقل و بیوسله شما بندگان واقعی کارگران تشکیل شده باشد. (پس از اعلام درخواست کارگران شما ربا گفتن صحیح است، آنرا تا بیده میگردند.)

## مبارزات کارگران چاپ ادامه خواهد داشت

کردند. سخنرانیهای کارگران همگی حکایت از بالا بودن سطح آگاهی و همچنین روحیه مبارزه جویانه و حق طلبانه آنان داشت. یکی از کارگران در سخنان خود از جمله چنین گفت:

"عده ای که تا زه رسیده اند و پسته ای بالای مملکتی را غصب کرده اند، هیچکدام به وضع ما رسیدگی نکرده و از دردمان خیردار نیستند". وی پس از آنرا ض ندیده لوقا نون سوده ویژه گفت: "املافا نونی که برای ما وضع شود و بدون تصمیم و

روزیکشته ۵۹/۶/۲، کارگران صنعت چاپ بمنظور کسب برخی از حقوق صغی خود در خانه کارگر جمع شده و میتینگی اعتراضی برگزار نمودند. ابتدا قرار بود از این محل یک راهیما ئی صورت بگیرد که بدلیل مخالفت شهیدآ میزوارت کشور لوقا کردید. عصر روز یکشنبه، علیرغم تبلیغات وسیعی که برای مناعت از جمع شدن کارگران بر اه افتاده بود، تعداد دکنبری از کارگران چاپ در محل "خانه کارگر" اجتماع کردند. در این مراسم چند تن از کارگران سخنانی ایراد

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

# نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

واقع همان وزارت سرمایه (فشار می آوردند و میگفتند "تکلیف ما چیست؟" مسلم است که این کارفرمایان و سرمایه‌داران بودند که درست سرسما و با سربرج که می‌بایست سود ویژه کارگران را بپردازند زنده‌ست بیه دامن وزارت کار جمهوری اسلامی و دولت می‌شدند تا با خوانین خدا کارگریمان به کمک سرمایه‌داران بیایند! وگرنه کارگران ما رزاینا امیدا نند که برای گرفتن خواسته‌های برحقشان ناگزیرند که سرمایه‌داران را بکوبند دست ببرند.

وزیرکار: "بما استغنا میگردند که مشکلات ما (یعنی مشکلات کارفرمایان و زجمله مشکل پرداخت سود ویژه به کارگران) برای شما ملموس نیست، البته شما این مشکلات برای ما ملموس بود." (توضیح داخل براشتر است)

آزما: کارگران خودشان سرمایه‌داران را حساب کارخانه "اپتیوس" (واقع در جاده کرج) میباید، پس کارگران طبیعی است که مشکل بقیه سرمایه‌داران به خوبی برای ما ملموس باشد.

سرمایه‌داران همواره از پرداخت همان حقوق ناچیز همه کارگران ناراحت هستند و بدنبال فرصتی می‌گردند تا آن هم کمتر بپردازند و آنرا به جیب‌های گشاد خود بریزند. مشکل مسئولین کارخانجات هم همین بوده که میخواستند سود ویژه کارگران را قطع کنند. وزیرکار رژیم جمهوری اسلامی هم مانند بقیه سرمایه‌داران تمام این مشکلات را کارگران می‌کند!

وزیرکار: "وزارت صنایع در مورد صنایع ملی شده برسی از ما سوال می‌کردند و بنا بر این فوریت مسئله کارگران را محسوس بود."

در روزهای دوشنبه ۲۷ و چهارشنبه ۲۹ مرداد، تلویزیون جمهوری اسلامی در مورد سود ویژه مناظره‌ای ترتیب داد که بیشتر به دعوی زرگری شایهت داشت. در این مناظره به ظاهر دوسه طرفه و در وقت مخالف همه بیعت تشبیه بودند، اما در این مختصر نشان خواهیم داد که هر دو در یک صف قرار دارند و آنچه که ادعا میکنند فریبی بیش نیست. در مناظره مذکور سه گروه و دو نفری شرکت داشتند: گروه اول، وزیرکار (سعید زاده) و سخاوسی مدیرکل سپیم کردن، گروه دوم، حکیمان و وکتا ورزی که اگرچه به لباس کارگر درآوردند و دولتی در واقع از تصمیم وزارت کار و شورای انقلاب حمایت می‌کردند. گروه سوم، ربیعی و کتالی بودند که مانند گروه قبل اگر چه با هر کارگر در دولتی در واقع از راه رود سینه حزب جمهوری اسلامی بوده و علیرغم مخالف خوانیهاشان از صنایع سرمایه‌داران حمایت می‌کنند و مانند بقیه کوشان برای بستن کارگران را واقعی کارگران را



حتی در دست آوردن خواسته‌های اولیه‌شان بگیرند. وزیرکار چه می‌گوید؟ وزیرکار ربهی‌پوده تلاش می‌کرد با آمارهای قلابی نشان دهد که لغو سود ویژه به نفع کارگران و به ضرر سرمایه‌داران است. گوشه‌های مسخره آقای وزیرکار مثل این بود که کسی بخواد هدایای آمارهای جعلی ثابت کند که ما ست‌سپاه است. نگاه به گفته‌های دیگران و دروغهایش را اینتر روشن می‌کند.

وزیرکار: "بعضی از آقایان می‌گویند، هیچ فوریتی ندارد... ولی این نظر ما اینطور نیست، زیرا سود ویژه در بعضی از کارخانجات بصورت ماهیانه به پرداخت می‌شود و از وسط فروردینما هم ما اجازه می‌دهیم که سود ویژه را بپردازند... ما حتی مجبور شدیم به علت فشاری که بنا می‌آید جدیداً با اطلاع به بدهیم... که از انفعال هر کوهیما خود را می‌کنند تا ما برسی کنیم... چون بعضی از کارخانجات سرمایه‌داران رسد میدادند... ما رسیدن خردا دتا زاین فشار بیشتر می‌شد."

ما می‌پرسم، با توجه به اینکه کارگران با لغو سود ویژه مخالف هستند، چه کسانی به وزارت کار (باید

شرکت ما باشد بده نمی‌خورد... یکی دیگر از کارگران ضمن اعتراض به لاف‌های سود ویژه گفت: "من با حساب سرانگشتی حساب کردم که با لاف‌های سود ویژه هر سال ۵ هزار تومان از من کسور به جیب سرمایه‌داران اضافه می‌شود... ما با بیدبختی و نیم که خودمان با آنجا دو همبستگی، حقمان را از سرمایه‌داران بگیریم."

در پایان مراسم قطعاً همه کارگران چاپ‌خنده شدند و سپس به نشانه اعتراض به آمریکا پرچم این کشور به آتش کشیده شد. کارگران مبارز چاپ در قطعاً به خود مدت ۱۵ روز به مقامات مسئول فرصت داده اند تا به خواسته‌هایشان رسیدگی نماید. آنها همچنین اعلام کرده‌اند که در غیر این صورت را هیبتا می‌بزرگی سرگزار خواهد نمود. در قسمتی از قطعاً می‌سندیکای کارگران چاپخانه‌های تهران و حومه آمده است: ۱- ما خواهان لغو قانون جدید سود ویژه که به نفع سرمایه‌داران است و استنفا رگرمیما سود بپردازد است. ۲- مبنای آخرین دستمزد (بیمه‌بناهای دستمزدی) تا تصمیم جدیدی که با شرکت نمایندگان منتخب همه کارگران ایران اتخاذ شود، میباید. ۳- ما کارگران خواهان تدوین قانون کار بدست نمایندگان منتخب کارگران ایران میباید. ۴- ما کارگران خواهان بازگشت کارگران بکارهای خود و جلوگیری از اخراج بی‌رویه کارگران میبایستیم.

## بقیه از صفحه ۳

مبارزه... شرایط اعتصاب و اجتماع بنفع کودکان چینی و آمریکایی است! آنها حتی وقیحانه تهدید می‌کنند که کارگران مبارزان به هیئت با کسری معرفی خواهند کرد! همدلی کارگران هواداراننداشان (اکثریت) نیز بماند و اینها موجب تخریب بیشتر بین کارگران گردید و آنروز پراکنده شدند. ساعت ۱ بعد از ظهر همین روز (۵۹/۵/۲۵) مبرزایی رئیس هیئت با کسری به کارخانه می‌آمد و ضمن سخنانش برای کارگران می‌گوید: ما به دست را اخراج خواهیم کرد. ۱- ما ساکینا ۲- کسانیکه در جهت انقلاب نباشند ۳- کسانیکه مشکلات امروز را به رژیم نسبت دهند و بیه نحوی بخواهند از آن استفاده کنند روز یکشنبه ۵۹/۵/۲۶ از طرف هیئت با کسری اسامی ۸ نفر اعلام گردید. در میان این اخراج شدگان و در کنار اسامی افراد وابسته به رژیم مزدورشان چندین کارگر مبارز به چشم می‌خورد که در زمانه‌های مبارزات و اعتمادات قبل از قیام نقش فعالی داشتند و بعضی از آنها خود از اعضای فعال شورای کارگران بودند. (ادامه دارد)

**نشریه‌ای برای کارگران**

از انتشارات کمیته خوزستان سازمان:

فنگر، به پیشی!

تا زمانیکه ۳۵٪ بر دست تمزدها افزوده نشده  
"سود ویژه" گذشته پرداخت باید گردند!

## کارگران مبارز پوشش، نمایندگان اخراجی خود را بسرکار بازگردانند

روز چهارشنبه ۵۹/۶/۵ هیئت با کماری ۲۶ نفر از کارگران مبارز نمایندگان شورای پوشش را اخراج کرده و مانع ورود آنها به کارخانه می شود.

اما کارگران مبارز این کارخانه همبیکسار نینستنه ۲۶ نفر نماینده و کارگر مساز را در حالیکه بر دوشهای استوار خود بلند کرده بودند داخل کارخانه آورده و به تظاهرات پرداختند.

کارگران چه زمان پوشش در این تظاهرات با فربا دیرطنین خود شعار میدادند: اتحاد، اتحاد، کارگران، اتحاد، علیه سرمایه دار، علیه امپریالیسم، درود بر کارگر، مرگ بر سرمایه دار، تری بر رتاج، اتحاد، مبارزه، بیروزی.

و با این ترتیب با ردیگر عجز همبستگی و اتحاد و مقاومت کارگران را در برابر دشمنان وحشت زده مزدوران کارفرما و انجمن اسلامی بنمایش گذاشتند. آنها با ردیگر نشان دادند که تنها از طریق مبارزه می توان از اخراج کارگران مبارز و آگاه جلوگیری کرد و در برابر قدرت همبستگی کارگران، هیچ نیرویی با رای ایستادگی ندارد.

### زمنندگان...

در شوروی عربیان می سازند. همانطور که قبلا دیدیم رفقای زمنندگان ساخت امپریالیستی شوروی را نمی کنند بنظر ما ریشه این پاسخ نگی گریا نه در همین دوعا مل فوق یعنی تنزل روبریونیستی و درک غیرطبیعی از تحولات طبقاتی قرار دارد. رفقای زمنندگان با نسی ما هیت بورژوازی و امپریالیستی طبقه کارگر و اقتصاد مسلط در شوروی عملی، جدید نظر در ما تریا لیم تاریخی دست میزنند. چرا؟ زیرا زمانیکه نظام حاکم بر شوروی، سوسیالیستی آریزایی نمی شود و در همین حال این نظام سرمایه داری و امپریالیستی نیز قلمداد نمیگردد، بنا بر این نظام جدیدی باید در شوروی حاکم باشد. در حقیقت این دیدگاه به نظام دیگری غیر از نظام مه های بنجگاه اساسی تولیدی معتقد میگردد. ما رگسیم بر آنست که پیش نظام تولیدی معنی نظام اشتراکی اولیه برده داری، نبود البته سرمایه داری و سوسیالیسم نظامی اساسی تولیدی میباشند و علاوه بر این مسئله تا کیدار دگرگین سرمایه داری و کمونیسم دوران انتقالی انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا فرار دارد. ولی ما در مقابل با این آموزش رگبستی مواجه با نظام تولیدی اختراعی مینویسم. نظامی که نه سرمایه داری است و نه سوسیالیسم (کمونیسم) است.

دیدگاهی که چنین نظام تخیلی و غیر واقعی را مطرح می سازد عملا به بورژوازی خدمت میکند، زیرا آنچه در شوروی واقعیت دارد همان نظام تولیدی سرمایه داری بوده و قوانین اقتصادی حاکم در شوروی نیز همان قوانین بورژوازی می باشد. حال زمانیکه دیدگاه های انحرافی این واقعیت را نمی میکنند و بر حاکمیت بورژوازی و سرمایه داری امپریالیستی شوروی پیده سا تریکند، آیا به بورژوازی خدمت نکرده است؟ آیا طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه خلع سلاح نموده است؟ آیا در اسرازی و تانکیک پرولتاریا اختلال وجود پیدا کرده است؟ آیا مرز بندی دخیل در استان و دشمنان انقلاب را محدود می سازد؟ (اذا مدارد)

## کمکهای مالی دریافت شده

الف	۴۸۳۵۰	ش	۶۴۰۰	ک	۱۳۰۰۰
ا	۲۲۰۰	شک	۷۵۰۰	ک	۵۲۰۰۰
ب	۵۰۰۰	ی	۱۳۰۰۰	ک	۶۸۱۰۰
پ	۱۳۳۵۰	"	۲۲۰۰	ک	۲۷۲۰۰
ت	۲۲۰۰۰	"	۶۲۰۰	ل	۲۵۰۰
ث	۳۵۰۰۰	"	۷۲۰۰	م	۲۸۰۰
ج	۲۹۹۹۰	ط	۱۰۰۰	ز	۲۶۰۰۰
ح	۶۴۰۰	ز	۱۰۰۰	"	۴۴۰۰
خ	۱۳۰۰۰	ح	۱۴۰۰	"	۳۰۱۰
د	۱۲۹۰۰	ع	۲۱۰۰	"	۲۲۰۰
ذ	۵۵۰۰	غ	۷۰۲۰	"	۲۵۰۰
ر	۳۰۰۰۰	ب	۱۲۸۰۰	ن	۲۰۰۰
ز	۲۹۰۰۰	ع	۱۰۴۰۰	"	۳۳۰۰
س	۶۲۰۰	ج	۷۰۲۰	"	۴۱۰۰
ی	۱۵۰۰	ح	۳۰۰۰	"	۱۷۰۰
ر	۱۲۳۰۰	ف	۱۲۷۰۰	"	۱۲۱۰۰
ز	۵۰۰۰	ق	۲۱۴۰	ی	۳۰۰۰
س	۲۶۰۰	ک	۶۲۷۱۰	"	۱۱۸۰۰
س	۶۴۰۰	"	۴۳۸۰۰	"	۲۱۰۰۰
س	۱۸۳۰۰	ک	۱۱۰۰۰	"	۲۱۷۰
س	۱۰۰۰	ک	۳۲۰۰	"	۲۱۰۰

- ۱- رفقای کارگر کوره پزخانه های منطقه مهاباد، کمک مالی شما رسید.
- ۲- رفیق کارگر هوادار سا زمان در رشت، مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۳- رفیق کارگر هوادار سا زمان در هوار، مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۴- رفقای هوادار سا زمان در کورنگ شهر کرد، مبلغ ۹۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.
- ۵- رفقای دانش آموز هوادار سا زمان در رشت، مبلغ ۴۵۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۶- رفقای دانش آموز هوادار سا زمان در سده، مبلغ ۱۳۵۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.
- ۷- رفیق (م)، و دانش آموز هوادار سا زمان در باند و آب مبلغ ۱۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۸- رفیق ش، دانش آموز هوادار سا زمان در اراش شهر مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت شد.
- ۹- رفیق را بنده از ارومیه، مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۰- رفقای هوادار سا زمان در شهر فراه تکفورت آلمان مبلغ ۴۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۱۱- رفیق ش، هین، مبلغ ۸۵۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۱۲- رفیق ا، و دانش آموز هوادار سا زمان دریافت شد.
- ۱۳- رفقای بزرگ هوادار سا زمان، مبلغ ۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۱۴- رفقای مهندس هوادار سا زمان، مبلغ یک میلیون ریال کمک مالی شما دریافت شد.
- ۱۵- رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئد هوادار سا زمان، مبلغ ۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۱۶- رفقای هوادار سا زمان در شهر ویرین آلمان - غریب، مبلغ ۴۱۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.

## معرفی نشریه زحمتگشان

چهارمین شماره "کوهرنگ" نشریه زحمتگشان چهارمحل بخبایر منتشر شد. این نشریه با وجود عمر کوتاهی توانسته در منطقه شهر کرد پایگاه نسبتا زیادی پیدا کند. در آخرین شماره آن از جمله آمده است:



"کوهرنگ"، جمهوری اسلامی یعنی این! "خبا منطقه". ما برای رفقای دست اندرکاران بنشریه در راه انجام وظایف انقلابی آزروی موفقیت داریم.

### توضیح:

به علت محدودیت فضای پیکار، دست اندکاران یک سری از درسا رده ای جا - نمود.

میکرد) "بالا گرفتن نورم" فراموشان می شود اما درست موقعی که قرار است سود ویژه را که قسمتی از دستمزدها چیز کارگران است بپردازند بیدار نشان میاید که تورم بالا می رود؟! جناب وزیر کار با بیدار نشان با شکسته ها خائن نیز برای اضافه نکردن دستمزدها کارگران همین گونه فلسفه بافی میکند، اما ببینیم علت این مسائل چیست؟

واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه داران و دشمن طبقه کارگر و زحمتگشان بوده و بسا امپریالیستها سرازش دارد. بنا بر این اگر هم بخواهد جلوی بالا رفتن تورم را بگیرد فقط آنرا بردوش کارگر - ان وزحمتگشان وارد میاورد.

اکنون گوشه هایی از سخنان نمایندگان کارگران را (گروه دوم) که به نظر هر طرفدار طبقه کارگر و در واقع مدافع سرمایه داران بودند مورد بررسی قرار می دهیم. کانون شورا های اسلامی (ایلاند مونیور) چه میگوید؟ از روی صحبت های کنا وزی و حکیمان که در روزهای نما بینندگان شرکت کننده در نما حبه بودند، نشان خواهیم داد که آنها مدافع کارگران نبوده و مستقیما از رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و بخصوص از جناح بنی - صدر دفاع می کردند و کارگران را بیایم بگذرانند یکی از این دو با صلاح نماینده کارگران در نما ظره تلویزیونی گفت: "این اعتراض در مورد سود ویژه نیست... در این مورد هیچ مسئله ای نیست و ما موافق هستیم و مسئله ما دیات مطرح نیست و نمی گوئیم که این سود ویژه که نهوشد یک حقی از توده های کارگران داده شده چون آنقدر این توده مردم، این خلق مستضعفان فشان می کردند، اینقدر از مسائل گذشته نه که این مسائل را هم در پیروان مسائل اگر از آنها بخوانند می گذرنند... در مورد سود ویژه هیچ یک از شورا های اسلامی در میان نگذاشتند، با کارگران صحبت نکردند که ما می خوانیم سود ویژه را بگوئیم و ما هیچ چیزی هم جایگزین آن نمیکنیم، وقتی این را کارگر درک کند که در یک شرایطی هست که با یکدک به انقلاب بکنند در آن زمان از جناح هم میگذرد، چه برسد به این دوما و هوسک ما... ما می خواهیم که فقط به کارگر شخصیت بدهند، به حسابش بسا ورنه، حتی اگر بخوانند هیچی پیش ندهند فقط به حساب بسا ورنه... (تا کیدار زمان است)

این آقایان بجای آنکه از منافع کارگران دفاع کنند به تلویزیون رفته اند که عمل فدکا رگری لغو شود - ویژه را تا شید کنند. این آقایان فکرمی کنند با این حرفهای عوامفربا نه که برای کارگران ما دیات مطرح نیست میتوانند بر روی ما هیت استنما رگرا نه و سرمایه داری دولت پرده بکشند!

نه آقایان! اتفاقا اینجا درست بحث بر سر ما دیات است. بحث بر سر اینست که سود ویژه که قسمتی از دستمزدها کارگران است به حیب سرمایه داران برود و با عیث استنما ریشتر کارگران سودی به کارگران پرداخت کرد. این به اصطلاح نمایندگان همه انتقادشان به وزارت کار در این خلاصه می شود که چرا با شوراها در میان نگذاشتید. با دیده بان پاسخ داد که صورت نکردن وزارت کار با شورا های کارگری یک امر طبیعی است. زیرا دولت حامی سرمایه داری برای کمک به طبقه سرمایه دار و ردیگر احتیاج به صورت با کارگران ندارد و انتظهی اگر برض محال هم با شورا های واقعی کارگری صورت مسند، آنها هرگز نمی گفتند که عینی داد سود ویژه را قطع کنید. بدون آنکه چیزی جایگزین آن سود بلکه برای گرفتن این خواست اولیه خود مبارزه میگردند. اذا مدارد

# توجه کنید!

## فتوایی از آیت الله خمینی در تقدیس مالکیت

رحمتکشان توجه کنید!  
کسانی که خانه و زمین بنا کردند توجه کنند!  
کسانی که انتظار دارند در جمهوری اسلامی جانی برای زمینخواهان و مفتخواران و سرمایه داران نخواهد بود، توجه کنند!  
کسانی که فکر میکردند جمهوری اسلامی قدمی است به جلو، نه به عقب، توجه کنند!  
سند زیرمشمول بر ۹ فتوای جدید از آیت الله خمینی است که در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۷ از ایشان استفتا شده و همگی جمهوری مپوره آیت الله می باشد. در ذیل فتواها مهور و رابط عمومی سپاهداران نیز بچشم میخورد که در کتاب آن نوشته است:

"در تمامی ابعاد تمام موارد فوق مورد تأکید قرار گرفت اگر چه متعلق به چند ماه قبل است. امضا"

سوالات و فتواها بسیار روشن است و احتیاجی به توضیح چندانی از طرف ما ندارد. ما در بیکار شماره ۱۳ مورخه اول مرداد ۵۸ ضمن نقد و بررسی کوتاه هستی از "سخنان آیت الله خمینی خطاب به ما حبان صنایع" نقل قول دیگری از ایشان آورده ایم که باز هم خوانندگی است. ایشان همان یکسال پیش که هنوز بسیاری از توده های مایهت و اقمی رزمی نبرده بودند گفته است:

"البته اجازه نخواهیم داد که (مسئولین کشور) بگندم سر - خلاف اسلام برآیند. اسلام مالکیت را بطور مشروع تثبیت کرده و اجازه داده است."

ایشان سپس به ما حبان صنایع که طرف خطابش بوده اند طمینان میدهد که:

"اینجا مملکت کمونیستی نیست که دولت هر چه بخواهد کند، مملکت اسلامی است. مالکیت را بیسه رسمیت می شناسد."

اینگونه اظهار نظرها از جانب سران خرده بورژوازی مرفه سنتی بهیچوجه برای کمونیستها امر تازه ای نبوده و نیست، چرا که خرده بورژوازی بنا به ماهیت طبقاتی خود سرمایه را مقدس می شمرد و تمام رهبران سیاسی و مذهبی این طبقه علیرغم تمام پوششها و کلمات فریبنده و زیبا در وصف زهد و تقوی و حمایت از مستضعفین و... از این قاعده بری نیستند و موردی که در اینجا از آن سخن می رود نیز تا شیدی است بر ادعای کمونیستی ما.

در سند زیر که عین آنرا ملاحظه می کنید، آیت الله در پاسخ به سوال اول مینویسد:

"اموالی که از غیر طریق حلال در دست کسی باشد بر طبق موازین شرعی از او گرفته می شود."

آیاتحار بزرگ بازار که یکی از آنها مثل حاج حسین مهدیان می تواند با دادن ۸۰ میلیون تومان کل موسسه کیهان را بخرد یا حاجی ها شکی که ویلاهای شمال شهرشان میلیونها تومان می آرد و کسانی که از "برکت انقلاب" سودهای سرسام آوری از فروش اجناس و کالا - های احتکار شده بدست می آورند، اموالشان "حلال" است؟ آیا میتوان جز از طریق غارت و جپاول رحمتکشان مال اندوزی نمود؟ یا شورش و شتمند شدن سرمایه داران جز

از طریق هر چه فقیر شدن رحمتکشان امکان پذیر است؟  
بدیهی است که "چاقو دست خود ترا نمیبرد" و رزمی که سرمایه داران و تجار بازاری را در پناه خود دارد، فتوا - هایش جز حمایت از آنها، بر علیه رحمتکشان نخواهد بود.

در فتوای دوم، آیت الله حدی برای نروت نمی - شناسد جز "تحصیل از راه حلال و مراعات وظایف شرعیه" آیا این تجار و سرمایه داران که اکنون ساریس و تسبیح خلق الله را جپاول می کنند، و آنقدر به آیت الله بقیه در صفحه ۱۲

۱۷ شهریور ۵۸ - شماره ۷۰ - ۱۹ شهریور ۵۹

حضرت مبارک و بزرگوار علامه الشان اسلام حضرت آیت الله العظمی الامام خمینی مدظلله العالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱ آیا اموال چیرکسانی را میتوان مصادره کرد؟  
بسم الله  
اموال که از غیر طریق حلال در دست کسی باشد بر طبق موازین شرعی از او گرفته می شود.

۲ آیا تحصیل ثروت از راه حلال در اسلام حرام است؟  
بسم الله  
در تمام موارد حلال و حرام است.

۳ اگر کسی زمین را از مال حلال خریده باشد یا از راه دیگر، آیا با اجبار میتوان آنرا گرفت؟  
بسم الله  
باید زمین را با اجبار گرفت.

۴ اگر کسی زمین موات را احیا کرده و در آن باغ یا باغچه و در آن درختان یا اجبار از او گرفت؟  
بسم الله  
باید زمین را با اجبار گرفت.

۵ اگر کسی دو عدد زمین داشته باشد یکی از آنرا در اجناس یا اشیاء یا سکه ها تبدیل کرده و در آنرا چیزی را بنماید یا خرید یا اجبار کرد؟  
بسم الله  
باید زمین را با اجبار گرفت.

۶ اگر کسی مثلا ده جریب زمین دارد و خودش با قدرت زیاد آن زمین را با اجبار یا با شرف کند آیا میتوان کسی را اجبار کرد بر آن زمین را با اجبار یا با شرف کند یا باید بگوید که خود حتما باید اجاره التسل را بپردازد و آنرا با اجبار یا با شرف کند؟  
بسم الله  
باید زمین را با اجبار گرفت.

۷ آیا چیر نوعی از زمینها حرام است؟  
بسم الله  
در تمام موارد حلال و حرام است.

۸ در مساجد یا غیر مساجد غیر از اجل علم کسی حق ندارد امام جماعت بشود؟  
بسم الله  
این فتوا مستقیم است و در تمام موارد حلال و حرام است.

۹ آیا زمینها باید مالک معین داشته و قائم برای آنها خرد شده بدون رضایت مالک آن میتواند کسی را تصرف کند در آن خانه بسازد؟  
بسم الله  
باید زمین را با اجبار گرفت.

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا می کردند، حزب جمهوری اسلامی ولیبرالها و رویزیویستها از او بیدریغ حمایت می کردند.



## مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

بزرگتر است؟ آیت الله خمینی مجاهدین خلق را "تربکار" خواند و به قضیه تماس دو نفر از مسئولین سازمان مجاهدین در خارج کشور طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس) اشاره کرد که در آن سالها با او در نجف ملاقات کرده اند (۱).  
این سخنرانی، به نیروهای ارتجاعی و عقب مانده و به فرصت طلبانی که آنان را بنرخ روز میخورند چسباند

سیاسی رورندگی است که بود، حمایت خویش را از برنامه های حزب (یعنی همان توطئه ها) که آیت الله علیه نیروهای انقلابی و جنبش خلق میماند (بود) اعلام کرد و لایحه نیز حمله خود را متوجه نیروهای انقلابی نمود.  
آیت الله خمینی، در سخنرانی خود، علیرغم آنچه ادعا میشود که "زبان را بشاید جزیرا سستی کرد اند" به

در چند ماه گذشته هیئت حاکمه نیروهای خود را شدیداً علیه نیروهای انقلابی بسیج کرده است. دامنه این حرکات کینه توزانه که همه نیروهای انقلابی و معدنی کمونیستها را مورد هدف قرار میدادند اکنون مجاهدین خلق را بیش از پیش زیر ضربات خود گرفته است. حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که مبتکر حملات علیه مجاهدین بوده است پس از نطق های پیاپی آیت الله خمینی و آیت الله منتظری و غیره و نیز از طریق عناصرا ارتجاعی وابسته به حزب، در مساجد و سخنرانیها، از طریق رادیو تلویزیون و روزنامه ها، به این حرکات ضد انقلابی خود شدت بیشتری بخشیده است.

سخنرانی آیت الله خمینی در چهارم شهریور ۵۹ سرفصل تازه ای در حرکات رژیم علیه نیروهای کمونیست و مجاهدین خلق بود. در آن سخنرانی که مهمترین نکات آن را در سطور بعد، بطور خلاصه خواهیم آورد، آیت الله واقعیت مبارزه مجاهدین خلقی در دوران رژیم را تحریف کرده تهمتهای ناروایی بر مبارزین جان برکف که در آن سالهای سیاه بیامان و سازشناپذیر با رژیم مزدور شاه و اربابان امپریالیستش به مبارزه برخاستند نسبت داد.

قبل از این ما همواره با هدف موضع گیریهای خصمانه آیت الله علیه نیروهای چپ بوده ایم اما در مورد مجاهدین، تا بحال این چنین صریح برخورد نکرده بودیم. این نتیجه اجتنابناپذیر او و کمپوزیسیون مبارزه طبقاتی و عجز رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات فزاینده جامعه است. اعلام مواضع آیت الله با چنین صراحتی، یک پیروزی بزرگ برای نیروهای انقلابی سازمانی و پدید آورنده کارگران و رزمنگان است. هم - چنانکه اعلام این مواضع، یکتسخنی است برای کلیه سازشکاران و تسلیم طلبان، یکتسخنی برای کسانی که میکوشیدند جهت منافع خود، رزمین انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش سازند و با اصلاح طلبی، وسط گیری و سازشگری، پیروزیهای رزیمونیستی و فواریزما رزیم را طبقاتی، جنبش خلق را در حیطه منافع طبقاتی خود مهار کنند.

رشد روز افزون جنبش انقلابی و چپ، رهبران جمهوری اسلامی را که با سادار منافع زمینداران، سرمایه داران و تجار و دیگرا تسامح و مصلحت طلبی و مصلحت گرایی (از نوع ولایت فقیه) هستند سوخت انداخت. اما به جگ در گردستان، با لاکرشن نارفا شیبای عمومی و او و جگسری اختلاف و تضادها که بین جناحهای حاکم (حزب جمهوری اسلامی و جناح بسی صدر) بر سر چگونگی مقابله با جنبش بوده و وجود رادویا لاکر در سربسج نیروهای کمونیستی و گسترش بیابکا دهنده ای نیروهای انقلابی دیگر است. حزب جمهوری اسلامی و پستیبسان کابل آن آیت الله خمینی را به یک جهه سندی صریحتر در برابر جنبش خلق وادانیت.

آیت الله خمینی، در سخنرانی مورد بحث، یکبار دیگر از جناح ارتجاعی عقب مانده هیئت حاکمه (حزب جمهوری اسلامی) بیشترین تا کید و حمایت را بعمل آورد و مهمترین بیانه و مستمک را برای حملات آبی با آن جناب قدا را ن و او با تان حزب جمهوری اسلامی بدست آنان داد. آیت الله خمینی، در حالیکه در آن روزها - اختلاف بین دو جناح هیئت حاکمه اوج گرفته و انصاح بزرگ "حزب جمهوری اسلامی در سوار آت، به منسلد

● تب ضد کمونیستی و ضد مجاهدینی و حملات هیستریک اخیر دستگاه های وابسته به رژیم جمهوری اسلامی علیه کمونیستها و مجاهدین خلق ماهیت رژیم را بیش از پیش بر توده ها عیان ساخت .  
● رهبری فعلی مجاهدین هرگز نفع خود ندانست که تمام حقیقت گذشتنه مجاهدین را به توده هایش، به اعضا و کاد رهای جوانش بازگوید . چرا؟!

سزشتان داد که هر جنبی که در جنبه ما هیت طبقا شیمان دارند گرفته و بسوی مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی برتاب کنند. یک تب ضد مجاهدینی خاص، با لاکرشن (تب ضد کمونیستی که همواره راجع بوده است) بر مقابله های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کجیا و... سخن - را شیبای رادیویی (دعا شیبی وها شیمی رفتن جانی و بیژاد بیوی... ) مصاحبه با آیت الله منتظری و سنگینی و رباشی... و ممبرهای مساجد، بدکوشی به مجاهدین موضوع روزتان شد. اما محتوای این حملات که در سطوح مختلف صورت میگرفت آنچنان بیوک بود که بیشتر رسوائی اجرا کنندگان برنا مورا فرام میگذرد. دعوت مجاهدین به مناظره آنقدر تکرار شد و عمومیت یافت که کتا بخانه فلان مسجد و انجمن اسلامی فلان دیستان نیز مجاهدین خلق را به مناظره دعوت کرد! و رجعیلیسی ظاهری "نما یبند مجلس از کار زبون" هم که تا بریبر وز معتقد بود حدیثی که میگوید "زمین روی ناخگامی - کرده" (!) درست است و باید آنرا قبول کرد و رفتار و کردار رس در زندان شیراز (سالهای ۵۲ و ۵۳) یا دیگر زندانها را انقلابی و مبارزانه تعصب آلود و کورته - نظریانه بود که بعداً ست بعنوان سبیل یک تفکر بسیار ارتجاعی و عقب مانده از ذهن زندانها آن سالها بیروید مدعی شد که میخواست ما زمانه مجاهدین را در سال ۴۹ اصلاح کند و به راهت هدایت نماید پسند!! (جمهوری اسلامی ۲۶ مرداد ۵۹). لحن پراکتی علیه مجاهدین و بسیج توده های نا آگاه علیه آنان به شعار نماز جمعه هم کشید و "مرگ بر منافقین" بدینا ل الله - اکبر" را تکرار کرد.  
در سارا بنهجه خوب و چاقی و آتش ردن کتابخانهها و دستگیری وحشی مثل هوا داران، رهبری مجاهدین به

نیروهای انقلابی تا درست ترین شتمتها را زد و آنان را به صفا شیبی توصیف نمود که هر کسی اندکی به او قعیات اجتماعی یا آکاها بشود منافع طبقاتی چشم و رانسته باشد تا درست بودن آنها را درک خواهد کرد.  
و نیروهای انقلابی را که از سالها پیش علیه رژیم جوحوار سادما رز گردید، بعنوان "گروههای شیبی که بعداً را انقلاب بدل خارج روئیدند و فلاما ساجیبی بودند" خوانید، او آنها را "مابح بیرون انقلاب"، "تر با کتند دعا نلد"، "خرمن سور"، "تر با دهنده کسور" "درو عکوبه مردم"، "عامل آمریکا"، "سرمه رسیده کارخانه ها و کسا ورزی" و "در سافت کسند هول از خارج نامه!! او کارگران - حق طلب کارخانه ها را که هموز رینقلابی سرما بعد از آن جان میکنند میچم کرده که "بول میگردند اما اعصاب کسند" او ابرادبی خاندومکس را کدند به صفا در برخی ارخا ده های سرما بعد از آن زده و در آن سکوت کرده اند "غاریگر" و "از رنه هسان رژیم سابق" خواندند! آیت الله خمینی سادما یبند میات سرگوبکراند، سادما یبند سادند میگرایک و جیبیل و خرفعیای "انسحابات" های سال کدند را کد کسور کسی جز حزب جمهوری اسلامی از آن رفایب دارد و آنرا محکوم نمیکند، درست و قابل ساند خواهد بود و حتی نیروهای انقلابی و ممبری (نظیر مجاهدین خلق) را که با اقدامات ارتجاعی رژیم محاصره، در کتا را فرادی قرار داد که خدمتگزار دربار ساد بوده اند آیت الله خمینی، نهادی عزیز خلق ما را که در سالهای سیاه خفتان ما زده انقلابی گردیدند و جان در راه آزادی خلق ما ختند "ابرای دزد ساد" او گفت :  
"اکریک دزدی را کتند و از طافه نما بود، آتوبت سحا میوبد انقلابی" (!!!)  
راسی کدا موهن به خلقهای سمدیده و مبارز ما و به انقلابیون شهید و جان برکف ساس مردم، از ان

(۱) - سفل ار سکار ۶۱

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی - ۳ -

## احیا سرمایه داری واقعیت امروز شوروی است

هما منظور که در قبال نوشتیم رفقای رزمندگان با طرح این مسئله که "پاسخ دقیق و علمی" در مورد تیز سوسیال امپریالیسم وجود ندارد، به رد این تیزارکمیستی رسیده و بدین ترتیب تزلزل رویزیونیستی خود را در مقابل رویزیونیسم آشکار میسازند. و ما می گوئیم تزلزل در مقابل رویزیونیسم، زیرا تزلزل در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی ریشه در تزلزل در مقابل رویزیونیسم دارد. متاسفانه باید بگوئیم که تزلزل این رفقا تا بدان حد است که قبول تیز سوسیال امپریالیسم را از مزه اول جنبش کمونیستی "تمیذات کنند (رزمندگان - ۱۱ فروردین ۵۹) و علاوه بر آن تیز مارکمیستی را به بحث یکی از اصول طرف پیگیر جنبش کمونیستی ایران بحساب نمی آورند" (هما نجا)

گرفتن از همه آسانتر است" (۴). در شوروی سوسیالیستی در درون حزب بلشویک مبارزه بین خط مشی پرولتری و نظرات و مشی بورژوازی در عرصه های مختلف پیوسته در جریان بوده است و بلاخره در شرایط خاصی رویزیونیستها در درون حزب قدرت گرفته پس از مرگ رفیق استالین و پس از یک دوره کشمکش مبارزه ددرونی سرانجام بر حزب کاملاً مسلط گشته و قدرت سیاسی را به تصرف درمی آورند. رویزیونیستها ی خروشقی "دژ را از درون" متصرف می شوند، حزب و دیکتا توری پرولتاریا را تغییر ماهیت داده و آنرا را به ابزار سیاست طبقاتی بورژوازی تبدیل می نمایند. تغییر و تحولات فدا نقلی و شوروازی در روسیای

لیستی تمیذات (!؟)

حال باید ببینیم تنفی ساخت امپریالیستی شوروی از جانب رزمندگان متکی بر کدام مدرک و استنباط می باشد؟ بنظر ما تنفی ساخت امپریالیستی اقتصاد شوروی میتواند تدبیریکی از دو استنباط انحرافی و غیر مارکمیستی زیرا استوار باشد با این رفقا معتقد به این مسئله هستند که رویزیونیسم جریان ایدئولوژیک خرده بورژوازی بوده و بنا بر این حاکمیت این جریان به تنفی سوسیالیسم و دیکتا توری پرولتاریا انجامیده است و بدین حال آن در شوروی یک نظام اجتماعی - اقتصادی خرده بورژوازی استقرار یافته است که در چنین صورتی ظهور و رسوخ می تواند مستدل ساخت که این دیدگاه ها در تدورک پرولتری از ما هیت رویزیونیسم متا مو موقعیت خرده بورژوازی در عصر امپریالیسم میسازند. در صورت وجود چنین دیدگاه انحرافی باید گفت که این دیدگاه به سیاست و اقتصاد مستقل خرده بورژوازی در این دوران معتقد بوده و در حقیقت "راه سوم" را ممکن میدانند.

و با این رفقا معتقد به این امر میباشند که در شوروی بدین حال از بین رفتن سوسیالیسم، نظام اجتماعی - اقتصادی نوینی ظهور پیدا کرده است که این نظام جزو اشکال پنجگانه نظامی آسای تولیدی نمیشد. این دیدگاه که انطباق خاصی با نظرات اقتصاددانان آمریکا یعنی "پل سوئیزی" دارد است که در شوروی استقرار یافته است و طبقه و دولت حاکم، استعماری میسازند، لیکن نمیتوان گفت که در شوروی بورژوازی حاکم بوده و سرمایه داری نظام مسلط را تشکیل میدهد.

بنظر ما این دیدگاه نیز فاقد یک مدرک علمی از تحولات در شوروی بوده و دیدگاه های غیر مارکمیستی و رویزیونیستی میسازند. اما قبل از آنکه به نقد مستقیم این دیدگاه بپردازیم در چند کلمه واقفیت عینی موجود در شوروی را توضیح میدهیم.

- رد تیز سوسیال امپریالیسم شوروی از جانب رزمندگان نه تنها ناشی از تزلزل رویزیونیستی آنان می باشد، بلکه همچنین از نگرشی اکونومیستی و آکادمیستی مایه می گیرد.
- رویزیونیسم بیان سیاسی - ایدئولوژیک کوشش بورژوازی در استقرار مجدد قدرت سیاسی بورژوازی میسازد.
- رویزیونیسم یک خط مشی طبقاتی است که در پی احیای سرمایه داری می باشد و رویزیونیستها حاملین خط مشی بورژوا - رویزیونیستی بوده و می کوشند در جهت تحقق اهداف طبقاتی خود یعنی احیای سرمایه داری، قدرت سیاسی را بدست گیرند.

"و تا این دوران بنیاد نه نهاده است استثمارگران مسلماً میدیدند احیا را در سمیپروا بند، میدیدند که به تلاش در راه احیا (سرمایه داری) میسازند" (۲) و بهمین خاطر لنین بر آن بود که دیکتا توری پرولتاریا "نه تنها برای پرولتاریا که بورژوازی را سرنگون کرده است ضرورت دارد بلکه برای یک دوران کاملاً تاریخی نیز لازم است و آن دورانی است که سرمایه داری را از (جامعه بدون طبقات) یعنی از کمونیسم جدا میکند" (۳).

به بیان دیگر در تمام طول جامعه سوسیالیستی از آنجا که مبارزه طبقاتی وجود دارد امکان بازگشت و احیای سرمایه داری نیز موجود است. در این جامعه طبقاتی نیروهای بورژوازی خواهند کوشید تا قدرت از دست رفته را دوباره به چنگ آورند و سرمایه داری را منقصر سازند. رویزیونیسم بیان سیاسی - ایدئولوژیک کوشش بورژوازی در استقرار مجدد قدرت سیاسی بورژوازی میسازد. رویزیونیسم یک خط مشی طبقاتی است که در پی احیای سرمایه داری میسازد و رویزیونیستها حاملین خط مشی بورژوا - رویزیونیستی بوده و می کوشند در جهت تحقق اهداف طبقاتی خود یعنی احیای سرمایه داری قدرت سیاسی را بدست گیرند. در دوران دیکتا توری پرولتاریا، از آنجا که جامعه شورویک جامعه طبقاتی است افکار و روشیات بورژوازی در حزب طبقه کارگر انعکاس یافته و رهبران را سرمایه داری یعنی ایورونیونیستها و رویزیونیستها بطور دائم در درون حزب پدیدار میشوند و بقول استالین رویزیونیستها میگویند از درون، قدرت را بدست میگیرند زیرا "دژ را از درون

جامعه شوروی نمیتوانست تا ثیرات قاطع و تعیین کننده ای بر زیربنای جامعه نگذارد. بدین حال غلبه و استقرار رویزیونیسم در شوروی، حزب بلشویک تغییر ماهیت داده و به یک حزب بورژوا - رویزیونیستی کامل تبدیل شده و دیکتا توری پرولتاریا نابود گردیده و دیکتا توری طبقاتی بورژوازی برپا میگردد. همانطور که لنین بارها متذکر شده بود ما لکیت و اقتصاد سوسیالیستی بدون دیکتا توری پرولتاریا معنا نمیخواهد. هدایات و مساسات تولیدی اجتماعی سوسیالیستی بدون حاکمیت طبقه کارگر هرگز امکان وجود ندارد بنا بر این در شوروی نیز تحولات بورژوازی در روسیا منحصر به تحولات در زیربنای گردیده و طی یک روند دیا لکتیک، سرمایه داری مستقر شده و شوروی به کموری سوسیال امپریالیستی تبدیل میگردد.

حال آیا سیاست مساسی - اقتصادی موجود در شوروی جز سرمایه داری، چیز دیگری میتواند باشد؟ همانطور که ما رکن بارها متذکر شده است ویژگی اساسی نظام تولید سرمایه داری جدائی و انفصال تولیدکنندگان مستقیم طبقه کارگر از ابزار تولید میسازند. در این نظام پرولتاریا ما حباب ابزار تولید میسازند، بلکه طبقه و دولت طبقاتی حاکم ما حباب ابزار تولید است. این پدیده دقیقاً همان چیزی است که در شوروی بوقوع میبویسد، یعنی بورژوازی سوسیال (یا رویزیونیستی) قدرت سیاسی را تصرف کرده و ما لکیت دولتی را برای تولید سرمایه داری به ما لکیت دولتی بورژوازی احیای تبدیل می نماید. در جامعه سرمایه داری بورژوازی ما حباب ابزار تولید بوده و در نتیجه ما حباب تولید طبقه

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم





ادامه از شماره قبل

مجا هدی بن خطاب به رئیس مجلس یعنی هاشمی رفسنجانی که خود یکی از سرمداران حزب جمهوری اسلامی می - باشد و در کلیه سیاستهای خاشنا نه و نهاد انقلابی بر علیه خلق، در مقام عضو شورای انقلاب، وزیر کشور و اکنون رئیس مجلس، دخیل بوده است و دستش همراه با دیگر رهبران حزب جمهوری اسلامی تا مرفق به خون توده های زحمتکش و انقلابیون و از جمله مجا هدی آغشته است، در نامه ای که مشحون از تندی و آری است و روح حاکم بر آن همانا روح سازشکارانه و مظلوم نما یا نه است از چنین شخصی دادخواهی میکنند. آنها در مقام شکایت به رئیس مجلس میگویند:

"... شما در راهی قوه مقننه کشور، بهتر میداند که قانون اساسی به صراحت تمام مکرر حق فعالیت آزاد سیاسی گروهها و احزاب را به رسمیت شناخته است. همچنین میداند که ما به گواهی تمام شواهد و مدارک و عملکردهائی که در هر محکمه ای قانونی قابل طرح و رسیدگی است، طی تمام دوران بعد از انقلاب سروسزنی نیز از التزام به قانون تجا و زنگنه ایم، لکن با کمال تعجب و تاسف هر روز فشارهای سیاسی و نظامی و حتی اداری اقتصادی بر "مجا هدی بن خطاب" و هواداران ایشان در سراسر کشور فزونی می یابد. چنانکه گوئی بر حسب یک قانون نامرئی تا نوشته، خون و مال و حیثیت ما هیچ حریمی نداشته و هواداران ما نیز از هر گونه امنیت شغلی و قضائی و مالی نیز محرومند." (تا کیدات از ما است.)

وقتی شما تمیخواهید بدانید و نتوانید که بدانید بورژوازی و کلیه طبقات استعمارگر بنا بر ما هیست تجا و زنگنه نشان هر نوع جنایتی را روا میدارند و این جزو قانونی است که با خط درشت و بسیار خوانا بر پیشانی بورژوازی و دیگر طبقات استعمارگر نوشته شده است و هرگز "تا مرئی و نا نوشته" نیست بسیار طبیعی است که از "نقض قانون" توسط بورژوازی، توسط ارتجاع حاکم دچار تعجب و تا سفاک شود و با زهم خود را ملزم به رعایت قانون بورژوازی که خود ملزم به آن نیست بداند. شما در همین نامه به رئیس مجلس چندین بار از احترامتان به قانون اساسی و التزامتان برای رعایت آن سخن گفته اید و از جمله بیان داشته اید که:

"مجا هدی بن خطاب ایران به رغم هر گونه انتقادی که به قانون اساسی موجود داشته باشد، در عمل به کلیه ضوابط آن تا هر هنگامیکه رسمیت داشته باشد ملزم بوده و با زهم هستند."

در حالیکه میدانید و میبینید که خود قانون گذار این هیچ التزامی بدان ندارند و بی هیچ وجه خود را مقید به رعایت آن نمیکند. زیرا این یک مسالسه بدیهی است که قانونی که بی وسیله طبقات استعمارگر وضع میشود برای به بند کشیدن زحمتکشان و نیروهای روبرو است و از نظر طبقات استعمارگر این زحمتکشان هستند که با بدموالین قانون را محترم شمرده و رعایت نمایند و الا خود واقع قانون بهیچ وجه روبرو نیست خود را در جای رجب تنگ و محدود قانون محصور کند. این مسالسه ای است آنقدر آشکارا و آنقدر بارز و بدیهی که دیگر نیازی به استدلال و ارائه ادله و بیانه نداد. هرگز و در هیچ کجا دیده نشده است که طبقات استعمارگر واضح قانون خود به قانون مخلوق خویش عمل کرده باشند بنا بر این "تعجب و تا سفاک" شما کما ملا بی مورد است و این فقط توهم شما نسبت به ارتجاع حاکم و ما هیت طبقاتی متزلزل شما را میرساند. شما در رابطه

# موضع گیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مگر ربا مجا هدی بن خطاب

سازشکارانه و ممانعت جو یا نه خود را با رژیم، تحت بهانه بوج وی با به ای چون "میخواهیم به توده ها نشان دهیم که رژیم خود به قانون خویش ملزم نیست و بدین ترتیب رژیم را افشا کنیم" و یا "میخواهیم نشان دهیم که رژیم در گفتار و کردار خود صادق نیست" و... سیاست و عمل -

با بهیئت رساندن نا جوا نمرده و خاشنا نه یکی از هواداران نشان که توسط او با شان حزب جمهوری اسلامی در آمل صورت گرفته است با زهم، این بینش لیبرالی و توهم آمیز خود را متبلور ساخته و برای زمیندارید که: "مجا هدی بن خطاب ایران همواره خود را ملتزم و مقید

آیا هنوز شما (رهبری مجا هدی بن خطاب) در نیافته اید که کوششتان برای حفظ فاصله با کمونیست ها (در حالی که بسیاری هواداران نشان در عمل با آنها همکاری میکنند) و عدم توجه لازم و در موارد زیادی بی توجهی به مسائل و مسائل انقلابی کارگران، دهقانان و خلقها و با فشار ریتان برای نشان دادن این مرزبندی ها به رژیم، نتوانسته و هرگز نمیتواند شما را از حملات، افترا ثات و... ارتجاع مصون نگاهدارد؟

کرد فرمیستی و ممانعت جو یا نه خود را توجیه و تشریح کنید. زیرا که بسیاری از توده های خلق و از جمله بسیاری از توده های هوادار مجا هدی بن خطاب در خلال زندگی روزمره خود و بدلیل کردار و رفتار رژیم حاکم بخوبی در بافته اند که این رژیم حاکم آنها نیست دلش برای آنها نمی سوزد و برای آنها قانون وضع نکرده است بلکه دشمن طبقاتی آنهاست، بختیان سرما به - داران است و حامی سر سخت نظام سرما به داری وابسته میباشد و بیمنجبت هم فوج فوج آن روی برمی - تابد (امری که رژیم را به هر اسانداخته است) و اکثر ا بسمت نیروهای انقلابی روی می آورند. اما توده های شما غالباً میدانند که رژیم از آنها نیست، خمینی فردی مافوق طبقاتی نیست، قانون اساسی بیانگر منافع زحمتکشان نیست و... ولی شما از آنجا که چشم به توده ها نداری و به با لا نظر در خاشنا بدویا اگر توده ها هم در محاسبات سیاسی شما جاشی داشته باشند عقب مانده ترین آنها میباشند، (و این یعنی کیفیت را فدای کمیت کردن خود یک عیب بزرگ و اساسی می باشد) شما با زهم بر این سیاست عقب مانده خود اصرار میورزید. شما انرا زمی - کنید که باید بیکدم و نقطه بیکدم از توده ها جلوس شود و آنها را به جلوس رژیمون دولتی در عمل دهاندم و بلکه صد ها و هزارها قدم از توده های آگاه خلق عقب هستند و در عین حال با سیاستهای سازشکارانه خود مانع از پیشروی سریع آنها میشوند. آیا این سیاستهای سازشکارانه و این محاسبات های دردناک همچنن برای این نیست که شما خود را از دم تیغ ارتجاع کنار کشید و بزعم خود در فرصت مناسب بطرف قدرت خیزید اید؟ یا خدا فل عملگر چند ما هها خیر هیت خا که به شما نیا موخته است که ارتجاع به تمکین شما در مقابل خود اکتفا میکند بلکه خواهان تسلیم بلا شرط و سبیل شدن شما به است - ا بزاری در دست خود می باشد. آیا این سان ما که "ارتجاع... میگردند شما را به سارن و به دست کشیدن از شما رزها انقلابی خود برای همیشه و در غلظیدن سس آغوش ارتجاع فرا خواند، تمام جناحهای رژیم در بطوح مختلف از با بند حزب جمهوری اسلامی، تا با ندینی صدر و خمینی و... آوازه خوان این ارکستر سرکوب و تهاجم اند (۲)

به رعایت قوانین جمهوری اسلامی دانسته و تا زمانی که حساب و کتاب و قانونی در کار باشد، از این رویه دست نخواهند نشست."

چه "حساب و کتاب و قانونی"؟ چرا به خود توده ها دروغ میگویند؟ چرا بجهت مانعی در مقابل ریسش توهم توده ها عمل میکنند؟ چرا به افشای ما هیت قانون اساسی نمیپردازند؟ چرا واقعتاً قانون و قانونگذاری را از طرف بورژوازی و طبقات استعمارگر برای توده های خلق و هواداران مبارز خلق افشا نمیکنند؟ مگر شما خود در نامه به رئیس مجلس نمی گوید که:

"... حمله و هجوم تا ترا گوئی علیه "مجا هدی بن خطاب" ایران "به نحو بی سابقه ای افزایش یافته است... به حدی که به جرات میتوان گفت که در نظام طاغوتی پیشین و در زیر سیطره ی ما واک آریا مهوری نیز هرگز و در هیچ شرایطی ما این چنین زیر بار گناه شتمت و افترا نیوده ایم."

پس چرا هنوز ایران زمینکنند که "تا زمانی که حساب و کتاب و قانونی در کار باشد"؟ کدام حساب؟ و کدام کتاب؟ و کدام قانون؟ آیا حساب و کتاب و قانون بورژوازی را می - گویند؟ شما که خود را با آن در جنگ می بینید، شما که رسالت خود را مبارزه با بورژوازی میدانید، پس چرا اینقدر خا ک به چشم توده های ما شید، و با مقدس جلوس دادن قانون ظالمانه بورژوازی از ریش توهم آنها جلو گیری میکنید؟ آیا جز این است که ما هیت متزلزل و بینش سازشکارانه و فرمیستی شما این توان را از شما سلب کرده است که به عمق ما هیت استعمارگرانه و خیا نکارانه بورژوازی و لاجرم قانون دست بخت او پی ببرید؟ آیا جز این است که شما (رهبری مجا هدی بن خطاب) اکتفا به توده های مبارز خود به با لا نه آنجا که تضادهای ضد خلقی بین جناحهای در قدرت جریان دارد چشم دوخته اید؟ آیا جز این است که شما در عوض دقت در تضاد بین توده های زحمتکش خلق و رژیم ضد خلقی حاکم و بهره جویی از آن در جهت منافع خلق، حواس و نیروی خود را بر تضاد بین دنیروی تجا و زنگنه استعمارگر متمرکز کرده و انتظار بهره جویی از این تضاد به نفع خود اید رسید؟ اگر اینها نیست پس چیست؟ شما نمی توانید سیاستهای

هنوز برای شما محرز نگشته است؟ آیا هنوز شما [رهبری مجاهدین خلق] در نیافتاده بیدکه کوششتان برای حفظ فاصله با کمونیستها (در حالیکه بسیاری هواداران - تا در عمل با آنها همکاری میکنند) و عدم توجه لازم و در موازات با این بی توجهی به مبارزات انقلابی کارگران، دهقانان و خلقها و با فشار ریتان برای نشان دادن این مرزبندیها به رژیم، نتوانسته و هرگز نمی - توانستید شمار از حلات، افتراهای و... ارتجاع مومن نگهسازد آیا شما خود در عمل تجربه نکردید که علیرغم سیاست به غایت سازشکارانه و ابورتونیستی تا در مقابل جنبش خلق قهرمان کرد و محکوم کردن و چپ نما خسروانند کمونیستها و جان برکفی که خون خود را در خطه کردستان در راه احقاق حقوق خلق کرد و مبارزه بر علیه امپریالیسم اهدا مینمودند، جناح بنی صدر و مغرب - همان - جناحی از حکومت که شما نردبان نش شدید - در روزها ماهی از "عملیات خرابکارانه" شما در کردستان "برده" - "داشت" آیا هنوز و بعد از اینکه تعداد زیادی از اربابان را در هجوم ارتجاع در شهرهای مختلف از دست دادید و بسیاری از دفا ترتان اشغال شد و مقدار زیادی از اموالتان بسرقت رفت انحرافی بودن و نادرست بودن تئوری "عدم تشنج" تا نشان بر شما روشن نگشته است؟ آیا سیاست شما لحد شما مانع از آن گشت که جهت داخلست در کودتا به سازمان مجاهدین زده شود؟ آیا هنوز مصر هستید که برای قانونیست بخشیدن به خود دست بردار مینویسید؟ آیا هنوز برای اثبات مشروعیت خود از لیبرالها یعنی چون گلزار ده غفوسوری و توانا نشان فردا استمداد میجوئید؟ واقعا چقدر تاسف آورده در دنا کاست که ما زمانی همچون مجاهدین خلق با آن پیشینه مبارزاتی، اکنون دست بردار مینویسید؟ ما نند گلزار ده غفوری و توانا نشان فربه میشوید و آنجا جوار مشروعیت میگیرید. آیا تا شیدا نبوده و نه های پسر احساس و مبارزتان که فعلا لانه و شبانه روز شما را یاری میدهند و از بدیل هیچ چیز و حتی جان خود دریغ ندارند (همانطور که در عمل تا کنون نشان داده اند) برای شما ارزش و ملاحظیت لازم را ندارند که به لیبرالهای فوق الذکر و بدتر از آن به رژیم متوسل میشوید؟ آیا قرار بر اینست که هر چه بیشتر مورد حقه، تهمت، افترا، حمله، قتل و کشتار واقع شوید بیشتر تمکین کنید و بیشتر از سیاست پوتالی و محکوم به شکست مظلوم نمایی پیروی کنید؟ چرا از تاریخ درس نمیگیرید؟ چرا از کثرت تجربیات روز مره چشم بسته میگردید؟ چرا از اعمال دشمن در مقابل خود و دیگر نیروهای انقلابی پند نمی آموزید؟ آیا هنوز بنا بر اینست که بر اینست که سرگشته و حیران - همانطور که تا کنون بوده است - منتظر اطفای امان و اقدامات بنی صدر باشید؟ آیا هنوز دست تمنایتان را در پیش بنی صدر مینمایند و منتظر مردم دراز میکنید و او را دادخواه خود قرار میدید؟ آیا هنوز چهره مژورانه این بورژوا فرمیست عوام مغرب بر شما (رهبران مجاهدین) روشن نگشته است؟ آیا هنوز قصد دارید بر این سیاستهای انحرافی که کار بر علیه منافق انقلاب و انقلابیون و بر علیه منافق رژیم جمهوری اسلامی است با فشاری کنید؟ آیا هنوز بجای بیان واقعیات به توده های خلق و هواداران براه احساس و مبارز خود اوستکا بدانیها مصر هستید که لطف "بلا لائی" تا مثل حالتان شود؟ آیا... اگر هنوز معتقدید که بایستی سیاستی که تاکنون

پیش گرفته اید با فشاری و تا کید کنید، اگر هنوز مصر هستید که فاصله خود را علیرغم ضروریات مبارزه طبقاتی و شرایط عینی جامعه از کمونیستها راستین همچنان حفظ کنید و حتی آنرا افزایش دهید. اگر هنوز ترجیح میدید بجای در میان گذاشتن مشکلات و معضلات خود با توده های خلق و قبل از آن با توده های سازمانی و طرفدارانتان همچنان چشم کم به امثال بنی صدر و "مقامات مسئول" بدوزید. اگر هنوز از مبارزه طبقاتی جاری در جامعه و عملکرد انقلاب و ضد انقلاب درسی نگرفته

- با تجدید نظر در ارزیابی نا درختان نسبت به هیات حاکمه (که آنها را "ملی" و درجه خلق ارزیابی می - کردید) و وقوف و آگاهی بر ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی آن در کلیت خویش و کلیه جناحهای رنگارنگ آن، - با تکیه بر مبارزه طبقاتی و انقلابی توده ها در اساس سیاست خود و چشم بر گرفتن از تافتهای درونی هیات حاکمه و طرفداران و فرمیستی تکیه بر یک جناح بر علیه جناح دیگر و "استفاده" از این تافتها در گسترش مبارزه انقلابی خلق بر علیه کل رژیم حاکم و نظام م

**● مجاهدین می گویند: "گوشی بر حسب یک قانون تاریخی بنا نوشته خون و ما ل حیثیت ما هیچ حریمی ندارد... در صورتیکه بورژوازی و کلیه طبقات استشمارگرینا بر ما هیات استشمارگرایانه شان هر نوع جنایتی را روا میدارند و این جزو قانونی است که با خط درشت و بسیار رخا و با برپیشانی بورژوازی و دیگر طبقات استشمارگرنوشته شده و هرگز "نا مرئی و بنا نوشته" نیست .**

و دنیا موخته اید که با یستی سیاست انقلابی و قاطعانه ای پیش بگیرید. مطمئن باشید و به هیچ وجه بخود تردید در راه ندهید که هرگز و هرگز نخواهید توانست این راه را مدت مدیدی ادا مدهید. مطمئن باشید و اید که نمی - توانید برای زمانی طولانی توده های پر شور خود را با مظلوم نشان در کثرت خود نگه دارید. مطمئن باشید که از کثرت کوشش و نیروهای انقلابی درون سازمان سر بلند نخواهند کرد و شمارا و سیاست سازشکارانه و ممانعت جویانه تا نرا کثرت نخواهند گذاشت. آری در این اعتلا مبارزاتی در این مبارزه قاطعانه ای، در این بحران عمیق و گسترده اقتصادی - اجتماعی ما، ما، در این موقعیتی که هر لحظه نیروهای انقلابی خلق بسوی رادیکالیسم بیشتری کشانده میشوند، در این زمانی که روز بروز طبقه کارگر - این طبقه تا به آخر انقلابی - از اهمیت و کارآیی زیادتری برخوردار میگردد و نمایندگان سیاسی بیشتری را به اجتماع عرضه میکنند و بیشتر و بیشتر در آستانه ایفای نقش تاریخی و انقلابی خود - یعنی رهبری جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی کشورمان بسوی جمهوری دمکراتیک خلق - واقع می - شود، در چنین زمانی نمیتوان و نباید بر سیاستی که تا کنون اتخاذ کرده اید تا کید کنید و الا تاریخ و مبارزه سخت و بی رحم طبقاتی درسی تلخی به شما خواهد داد، درسی که چه بسا برای آموختن آن تاوان زیادی از طرف شما و جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق با یید پرداخته شود. ما همچنان معتقدیم که "اکنون موقعیت حماسی و خطرکنونی و ظریف سترگی را از شما طلب میکند اکنون جنبش انقلابی خلق و شما نیروهای راستین انقلابی بویژه انقلابیون کمونیست اتخاذ موضعی را از شما طلب میکند که نشان یک خط مشی پیگیر و انقلابی است. این خط مشی پیگیر، که اکنون شما را بخود میطلبد، از شما میخواهد که:

سرما به داری وابسته،  
- با کشیدن مرز دقیق میان جنبه انقلاب و ضد انقلاب و زدودن برده توهم نسبت به نیروهای گریه کارگزارانه خود را در جنبه انقلاب جا میزنند،  
- با افشا و طرفداری از رزها دوستان دروغینی چون بنی صدر و لیبرالها و... که چهره دمکرات نماشی بخود گرفته اند و با یافتن دوستان واقعی خود در میان توده ها و نیروهای انقلابی دیگر بویژه انقلابیون کمونیست یعنی کسانی که پیگیر ترپس نیروی ضد امپریالیست و انقلابی در جا معاندند،  
- با زودن ملاحظات غیر انقلابی و دیپلماتیک در توضیح دوستان و دشمنان انقلاب و توضیح رابطه واقعی خودتان با انقلابیون کمونیست،  
- و با لاخره با بازگشت به خط مشی مقاومت انقلابی، خط مشی شرکت فعال در مبارزه طبقاتی توده ها و مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی آنها بر علیه رژیم کنونی و حمایت از تمام جلوه ها و جنبه های واقعی این مبارزه در تمامی ابعاد آن و بخصوص در حال حاضر در کردستان،  
...  
مشت محکمی برده ان ارتجاع و برپوزه کسانی که اکنون میکوشند تا با موج تهاجمات تبلیغاتی و فشار از هر سو بر ما زمانتان شما را از موضع گیری قاطع و مریح بر علیه آنها و پیوستن به خط مشی انقلابی و پیگیر بر - حذر دارند و به سازش با ارتجاع بکشانند، فرود کنید". (۳)  
ما همچنان امیدواریم که یک تجدید نظر کلی را در سیاست لیبرالی و سازشکارانه شما بسمت یک سیاست انقلابی و مبارزه جویانه نشانده کنیم، ما "در این آرزوی خود چشمه آینه دوخته ایم".



(۲) و (۳) - نقل قولها از بیکار شما در ۶۳ مقاله "چهره عربان هیئت حاکمه و سخنی با مجاهدین خلق ایران" - قسمت دوم - میباشد.

- با تجدید نظر در خط مشی راستروانه و لیبرالی گذشته خویش چه در برابر هیات حاکمه و چه در برابر برجستش انقلابی خلق و مبارزه جاری،

# رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

نقد از صفحه ۷ **مباحثه...**

مبارزین بوده‌های سازمانی و هواداران یکطرف و ارباب حدیثا مدیونگراف با حدیثی و بی‌سند و مناسبات دیکروشن آنها از طرف دیکر برده است. ما در حدیثا نه مسئله در سگاری ۶۹ و سایر حاضر، ایسین موضعگیری رهبری محاذین خلق را مورد نقد قرار داده ایم.

اروسی دیکر و در ادا نه لحن بپراکنشهای دستکاهی پستلیفای رژیم، سربردی بنا میسازد که همه و بزرگساز جمعیتش مسود در سماره اول خود (۲۵ تر) عکس دو رنگی ما (جنس روحانی و شراب حق سناس) را چاپ کرده که ما چهره و منافق آنها بود؛ چالب اینکه عکسها از سر برده اس رفعا در ساواکا اخذ شده و کوشه‌ای از بنا بدین دستکاه مدخلعی کنونی با رژیم ضد خلقی کدسرها عیان مسازد.

این اصطلاح انکار کسبها علمه محاذین و نیرو - های انقلابی و کمونیستی در باره ارتش و مساجد و معارض عمومی هم بدستور حزب جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران سما بین گذاشته اند و در مدلی از یک ایسان بقدر بر رسیده و و جنتان از رشد نیروهای انقلابی بیس از بیس عیان گردید. مباحثه مجله "سپاه انقلاب" از کان سپاه پاسداران با محمد منتظری حاوی و فباجاهه تیرس نیمسپاه محاذین بوسه به رفیق ما شراب حق سناس بود که در سه ماهه ر (۶۷ تا ۶۹) بطیسور مختصر برده آنها ساخ داده شد.

اما آنچه در ادرا بجا بنا بدفرا موش کنیم و فبعیتی بود که بسیاری از هواداران جوان محاذین خلق با آن روبرو شده بودند. آنها جنبه‌های ایترا بر خوجه سازمان خود را نه از زبان رهبری سازمان، بلکه ایس با از زبان رژیم (از موضعی ارجاعی) می شنیدند و میخواندند؛ زیرا رهبری محاذین طی یکسال و نیم گذشته، همواره از کفشن همه حقیقت به هواداران و اعضای جوان خود امتناع کرده است. و در بسیاری موارد به تحریف ایتکار آن بردا خندا شد. این رهبری ناربخه سازمان را در وجود معدودی افراد که فعلا با این رهبری متفق و همراهند خلاصه کرده، چنان وانمود کرده است که گویا کسانی که کمونیست شده و هم اکنون در مفسوف محاذین نیستند، در تارخ این سازمان و کلاد رجنتس انقلابی سالهای گذشته، هیچ سهمی ایفا نکرده اند. دهها سپید انقلابی کمونیست، دهها عضو و کارکنان در سا بیق محاذین خلق که در زندان و یا خارج زندان به مبارزه انقلابی ادامه داده اند و بیس ایتدولوزیک مدهیسی محاذین را رها کرده و یا بدیش ما ر کسسم ایسینسم سیکرانه برای رها نشی طبقه کارگر - این طبقه ما باخر انقلابی - مبارزه کرده و میکنند، هیچ بوده اند و بلکه بدتر (علیرغم برخورد انقلابی شان، به گذشته) "بورنو - نیستی‌ای چب نماش" بیس نیستند! رهبری فعلی محاذین هرگز بیسج خود نه است که تنها حقیقت است که نه محاذین را به توده‌های بیس به اعما و کارهای جوان بیس از کویس، این جمله نین چقدر گویا است که اگر نماشای هندسی هم با منافق افراد دیکر خورد میس مسود محققا ترا رد میگردند.

رهبری محاذین همه جاق بق گذشته را مبداسند اما به نیسها آنها را بیس کویسند که فعال نیسها و ساراب برخی رفقا را که امروز در چار جوب بسک سازمان کمونیستی به مبارزه ادامه میدهند به فرد دیکری، سپیدنا عیسید، بسب میدهند، نموده‌ها را داد است و ما فعال رومی به ذکر آنها بیس بسم، (۲) مرکز دم به اصل مطلب: بمطور هر چه آکا هر گردن

بوده‌ها به ما هت کسانیکه در را س رژیم جمهوری اسلامی فرار دارند، برای اسای نیمسپاه یا حوا سردا به‌ای کدس سروهای انقلابی و مجاهدین زده شده، برای غیبی کردن بحرها انقلابی بوده‌های خلق و روشن کسردن روایاتی از تاریخ مبارزاتی سالهای گذشته که در یکی دو سال اخیر، بسا در معرض دروغها و لجن بپراکنی - ها و آلودگیها قرار گرفته است و بسب بپرده‌ها مجال جولان با فساد و بیخوس برای روشن شدن موضعی که آیت الله خمینی در اوائل سالهای ۴۰ و بعد در نجف تا سال ۵۷ داشت مباحثه‌ای بر بسب داده ایم با رفقا تراب حق شناس و حسین روحانی که از بسا راه آینه ملاحظه خواهد کرد.

\*\*\*

(۲) - بطور مثال کافست از رهبری مجاهدین خلق خواسته بودند تا لیست افرادی را که در عملیات نظامی مهم بین سالهای ۵۵ تا ۵۴ شرکت داشته اند منتشر سازید، آنوقت خواهد دیدید که چگونه رفقای کمونیست ما چه آنها که زنده اند، آنچه آنها که شهید شده اند بدر ایس عملیات مهم ما می داشته اند. کافست از این بپراداران بر سیده نه بود که شما بپده دلیل نوشته رفیق شهید محمد تقی شپرا در مورد جنس دا شجوشی و وظایف کنونی آن (خده در رابطه با عملیات نظامی علیه کار ردا استکبانه صنعتی (تریف) منتشر شد) را بدون آنکه اسمی از نویسندگان آن ببرید منتشر ساختید؟! بلی، شما حق دارید شما ما ساد مربوط به این سالها را به اسم مجاهدین ایتلا ردهید، ولی این تنها نصف حقیقت است، نصف دیکر حقیقت ایست که توده‌ها بدانند چه کسی این سند را نوشته، چه کسی و چه کسانی در فلان عملیات شرکت داشته اند....

**بورش به کتابفروشیها و چاپخانه‌ها همچنان ادامه دارد**

حکومت جمهوری اسلامی در ادامه مسیاستهای ضد دموکراتیک و ضد مردمی خود و بلیحاظ وحشی که از آگاهی توده‌ها دارد، کتا بفروشی‌ها و چاپخانه‌های را که نشریات و کتا آکا هکرا نه منتسب به نیروهای انقلابی را چاپ و بیس می کنند، مورد هجوم خود قرار داده و می دهد، و این در حالی است که همروزه، جمافداران و قداره بندان حزب جمهوری اسلامی، به کتا بفروشیها و کتا رخیا بان جمله برده وزیر جرحا بیس پاسداران، فروختندگان نشریات وحشی عابرین کتا رخیا بان را و حشیا نه مورد حمله قرار می دهند.

تاکنون بسیاری از چاپخانه‌های که مبادرت به چاپ کتب و نشریات نیروهای انقلابی می نمودند، مهروموم شده و صاحبانشان در زندانهای رژیم بسر میبرند، فقط در عرض دو ماه گذشته بالغ بر ده هزار جلد از کتا بیهای سازمان ما که آماده برای پختن بوده در چاپخانه‌های مختلف بدست پاسداران بغارت رفته و ما حیا ن چاپخانه‌ها زدا شد شده اند، دهها تن از هوادار رب انما ن فقط در رابطه با پختن و فروش نشریات و کتا بس سازمان بیس زندان افتاده اند، هیات حا که ما خام خالی تمام گمان می برد که خواهد نونست با ایس کونه شیوه‌های "آر بامهری" مانع از فعالیت آگاه - گرانما و دیکر نیروهای انقلابی شود، ا و فرا موش کرده است که کمونیستها هیچگاه هتحت هیچ شرایطی دست از مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و دیکر زحمتکشان بر نداشتند و بر بخوا هندا شد.

**توجه...**

بسیه از صفحه ۷ نزدیک هستند که خطبه عقدا زدواج فرزندان شما را هم کاد "برای تیرک" اما مفراتت میکند چرا مخوا ر هستند و وظایف شرعیه را انجام میداده اند؟!

درفتنوای سوم، زمینی که از مال به اصطلاح حلال خرید شده به ابارت یکی رسیده با سجد در شهر چه خارج شهر نمی شود از او گرفت. آیا این فتوا جز بیسج زمین - داران بزرگ و اعیان زاده‌ها و جز بیسج کسانیکه نسل اندر نسل بقیمت مفروبی خانمانی زحمتکشان زمین - ها را بخود اختصاص داده و بیس از زمین آنها به اولاد - شان رسیده است می باشد؟

درفتنوای چهارم هیچ حدی برای زمین موا تیکه احیا نه زده ذکر نگردیده و بسخوبی میتواند دست زمین - داران بزرگ را که از امکانات زیاد بی برای سرمایه - گذاری برخوردارند بلیحاظ شرعی باز بگذارد. این که با اصطلاح آن زمین موا ت را چگونه بقیمت اشتما رجه کسانیکه "احیا" کرد، مهم نیست، اینکه در کتا رهمان زمین "احیا" شده کتا ورزان گرسنه‌ای جان بکنند هم مهم نیست، بلکه مهم این است که به "اصل مقدس بالکیت" کوچکترین لطمه‌ای نخورد!

درفتنوای پنجم، سوال کننده موبدینه فقط از دو خانه که ما حی آنها فقط بیکی احتیاج دارد صحبت می کند و آیت الله خمینی گرفتن خانه‌ها فی را مجاز نمی - شمارد، با زهم مهم اصل "مقدس" مالکیت است و اینکه زحمتکشان در همسا بیکی آن خانه یک سرانه کلیسی همداشته باشند بیکی نیست، آیا این احکام آن حاجی - های محترم با زارا که حداقل خانه‌ای در شهر، بیکی در شمیران، ویلا بی در شمال دارند خوشحال نمی - کند؟

خونابحالیان! که هم خانه‌های دنیا را دارند و هم خانه‌های آخرت را! درفتوای ششم هر چند صحبت از ده جریب (حدود یک هکتار) زمین در میان است ولی با توجه به اینکه هیچ حدی و شرطی ذکر نشده دلیل ندادند که شامل بیش از ده جریب هم نباشد. مالکیت "مالک" بر زمین بر طبق این فتوا آنقدر "مقدس" است که با وجود آنکه "مالک" نمی تواند دنیا نمی خواهد در آن زراعت کند، بسپسج شکلی نمی توان بدون رضایت او از زمین استفاده کرد. اومی توان دنیا استکبا به اصل مالکیت، زمین را بمصل خود بدلا استفاده نگه دارد، حالا کسان دیکری به همان قطعه احتیاج مبرم دارند دنیا ندارند نه بس مالک مربوط است نه به قانون شرعی که از او حمایت می کند.

آیت الله موسیقی را مطلقا حرام دانسته اند. عمق عقب ما ندکی این بیسج بحدی است که حتی خودشان نتوانستند در عمل، این فتوا را رعایت کنند. فتوای هشتم اولین سید در نوع خود برای حمایت مطلق از قشر روحانیت است که بر اساس آن فرد غیر معمم هر چند با اصطلاح شرابط لازم به بیسجنا زبون را طبق سنسهای اسلامی دارا باشند نمی توانند بیسجنا زبشود این فتوا را اگر در کتا ردا دگا هویزه معممین و بیسعی که در مورد آخوندهای ساواکی و فساد اخلاق قائل شده اند بنگذارید عمیق قسرت و کیره برستی سردمداران جمهوری اسلامی را میتواند سیدسپتر ما ده کند.

بر طبق فتوای ششم زمینی را که "متعلق" بس مالکی بوده و فضا نشر جنک نه بدو بیلا سفا ده است بسک فرد زحمتکشان که بدون خانه و سرسناه است حق ندارد در آن زمین خانه بسازد! عدل اسلامی، حکومت مستضعفین و غیره یعنی همین!

### بزرگداشت پیکارگر شهید، رفیق مسلم خلیج

روز شنبه ۲۵ مرداد در محله غار (جنوب تهران) مراسم بزرگداشتی بیدار رفیق شهید مسلم خلیج که بدنبال انجام یک وظیفه تشکیلاتی در اثر تصادف بشهادت رسید (پیکار ۶۸) برگزار شد.

جمعی از رفقا و همزمان و آشنا با رفیق، ساعت ۶/۵ بعد از ظهر آژیر در گود رسولی (محلی که رفیق در بالای آن بساط فروش نشریات پیکار و دیگر نشریات انقلابی و کمونیستی و آگاه‌گرانه بهین میکرد) اجتماع کردند ابتدا چند سرود فلسطینی پخش شد. سپس با قرائت پیام "پیکار و زحمتگزاران گود" و یک دقیقه سکوت بیهوشی رفیق شهید مراسم آغاز گشت. شعر "مراسم تدفین یک کمونیست" سرود سرتوک و متنش که یکی از رفقای اهل محل بیا در آن شهید نوشته بود، و بعد زندگینامه رفیق بوسیله رفقای او خوانده شد. سپس یکی از بچه‌های کوچک غار که به نام زکی رفیقی صمیمی و مهربان با فتنه ولی او را این چنین از دست داده بود متنش قرائت کرد که در آن قول داده بود راه رفیق خلیج را ادامه دهد و تا ریشه کن شدن سرمایه داران و مفتخوران از پای نشتیند. آنگاه پیام تیر و هوای سیاسی محل بترتیب پیام جمعیت زنان مبارز، هواداران و زندگان

و هواداران راه‌کار خوانده شد و در پایان پیام هواداران جریکهای فدائی خلق (اقلیت) نیز به دست رفقا رسید. برخی از شاعرانی که از سوی جمعیت تکرار میشد عبارت بود از:  
کودنشین، میرز مدک‌کاخ نشین، میله‌رود شاعر زحمتگزاران، نان، مسکن، آزادی، گودنشین، گودنشین! این خانه‌های خالی حق مسلم توست، این حامل رنج توست سر ما به از روز ازل ننشسته، سرمایه‌دار حق ترا برده، سرمایه‌داری وابسته عامل هر گزانی، زحمتگزاران ایران بر میکشند فریاد دیگر پس است گزانی، دیگر پس است بیگاری، بلاکارها و اوزالیده‌های مستعده و تصویر از رفیق شهید مسلم خلیج بر پارچه‌ای که بر آن نوشته شده بود: "تعمیر و تعمیرند آنا نگه ره خلق بگیرند." محظت مراسم ازینت می بخشد.

پیکار رفیق گرامی بزرگداشت یاد آن رفیق شهید و تجدید پیما با همه شهیدان در ادامه مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتگزاران، از رفقای هوادار میخواهند که تکیه‌ای چنین مراسم را همراهی با گزارش به نشریه بفرستند.

### سالگرد شهادت رفقای شهید



### رفعت افراز / حسن آلا پویش

در روزهای ۲۵ مرداد و ۲۵ شهریور سالگرد شهادت رفقای شهید گرامی است. این روزها را باید با یاد و خاطره آن عزیزان سپری کرد. این عزیزان در راه آزادی و برابری جان فدا کردند. ما باید از آن‌ها درس بگیریم و در راه آزادی و برابری ادامه دهیم. این عزیزان را باید با احترام و تکریم یاد کرد. این عزیزان را باید با یاد و خاطره آن‌ها سپری کرد. این عزیزان در راه آزادی و برابری جان فدا کردند. ما باید از آن‌ها درس بگیریم و در راه آزادی و برابری ادامه دهیم. این عزیزان را باید با احترام و تکریم یاد کرد.

### گرامی یاد خاطره شهیدای بخون خفته خلق / سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

### چهلمین روز شهادت رفیق محمد رسول عزیزان

روز ۲۵ مرداد یک معلم انقلابی، یک مبارز راه‌پیمای زحمتگزار، رفیق محمد رسول عزیزان، هوادار سازمان جریکهای فدائی خلق (اقلیت) که در شهرستان سیرجان به تدریس و فعالیت انقلابی مشغول بود، بدست حاکم شروع ارتجاعی کرمان بنا می‌نهادند. او به سرود ه شد. شهادت معلم انقلابی و زحمتگزار هم‌دوره رژیم گذشته و هم‌دوره رژیم فعلی صورت امری عادی در آمده است. در گذشته صمد بهرنگی ها، رفعت افرازها، حسن ابراری ها و محبوبه متحدین ها داشتیم و امروز گرجی بیانی ها و عزیزان ما ...  
رژیم جمهوری اسلامی با "میر غضب‌هایی نظیر خلخال و فقیه کرمانی و جنتی و معاد دیخوا و دیگران موفق به سرکوب جنبش انقلابی خلق شد. همان‌طور که رژیم گذشته‌نشد، ما وظیفه داریم چهره انقلابی گمانی ما را بزرگداشت کنیم و ما را از چهره فریبکاران و قاتلان آنها بزرگداشت کنیم. ما یثبه توده‌ها نشان دهیم که این شهیدان تنها به "جرم" عشق به طبقه کارگر و دیگر زحمتگزاران، خون با کتان بر زمین ریخته می‌شود، خونی که تا نا بسودی امپریالیسم و امپریالیسم را از پیش نمی‌افتد.  
با رفیق شهید محمد رسول عزیزان، در قلمب سا کردانی و هم‌زحمتگزاران زندگان است.

بقیه از صفحه ۱۶

### باند بختیار ...

جذب آنها بر خورد راست، او با امکانات رادیویی می - کوشد تا توده‌های نا آگاه و کهنه شده رژیم حاکم را به طرف خود متمایل سازد و بدین ترتیب نقشه‌های خائنه خود را بیا دهد کند.  
در چنین شرایطی که خطر بخشا رود بکر مزدوران آمریکا، همچنان با برجاست، برانقلابیون و مردم آگاه ایران است که ما هیت کشف بخسار و اسل او را هر چه گسترده تر افشا کرده و از امتان توده‌ها به آلمان جلوگیری کنند، جنایات بختیار در دوران کوتاهی که بعنوان "نخست وزیر شاه" به حراست از مافوق امپریالیسم آمریکا و خاندان ننگین بخلوی برداخت، هیچکس در فراموش نخواهد شد و مردم آگاه و انقلابی ایران بدون اینکه تردیدی در ما هیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی داشته باشند، توطئه‌های خائنه بختیارها و اربابان امپریالیست را در هم خواهند نگیست! توده‌های خلق ما برای آزادی و استقلال واقعی مبارزه میکنند، آنان میدانند که بدست آوردن این آزادی و استقلال در گرو مبارزه فاطانه علیه رژیم جمهوری اسلامی، با ندمزد و بختیار و اربابان و هم‌امپریالیست ها می باشد.  
نه رژیم جمهوری اسلامی، نه باند بختیار و نه هیچ - یگ از امپریالیستهای ری هیچکدام از ایمان مدافع منافع خلق ما نیستند، ایمان دشمن توده‌های سم - دیده ایران می باشند. مدافعین راستین خلق نیرو - های انقلابی راستین و کمونیستی واقعی می باشد

### پویش و تصحیح و تذکری لازم

در پیکار ۶۱ خضرا ما با ما چند تن از رفقای شهید که در احوال محکوم به اعدام شدند، با شخصی بنا منوچهر جعفری سیزده ماهه است، ما بر اساس اطلاعی که از رفقای محل بدستمان رسید بود از او و تحویل کردیم ولی اطلاعات موقتی بعدی نشان داد که اطلاع اولی درست نبوده و منوچهر بنا بیست و نه ساله است که از او بعنوان رفیق و شهید بنا بریده شود. همچنین ما منظور که در شبیل نوشتیم عکس شخص دیگری بجای منوچهر جعفری در شماره ۶۱ چاپ شده است. ما ضمن بوزش و تصحیح از رفقا و هواداران ما میخواستیم که در صورت اطلاع آنی که برای ما میفرستند بنیابت دقت را بعمل آورند چون ما به اعتماد دگزاران آن به کار تبلیغی خود دست میزنیم و بدینیه است خطائی از این نوع که پیش آمده، همیشه حینت سازمان انقلابی و کمونیستی ما ن لطمه میزند و هم مورد سوءاستفاده ضد انقلاب قرار نمیگیرد.  
در همان شماره ۶۱ غلطی خیری از کردستان کشف شده که یکی از رفقای هوادار ما را ملایم اعدام شده است که در دست نیست، ما میرویم بر اساس دستگیری آزاد کرده بودیم ولی پس از مدتی مجدداً او را دستگیر کرده‌اند ما خواستار آزادی او و کلیه زندانیان انقلابی و ما را در هم‌روزیم را متحول جان لایق مرادی مدافع سم، در اینجا هم از رفقا میخواستیم که ما را از راه‌های راستی دست و احسان مسئولیت انقلابی و کمونیستی مسوره با کسر کرده‌اند.

☆☆☆



### جنبش کارگری و بحران رویزیونیسم در لهستان

هفته گذشته ما شاهد یک جریب بیشتر و گسترش عمیق تر است. کارگری لهستان در شهرهای مختلف این کشور بودیم، اکنون دیگر برای هر کسی روشن شده است که واقعیتی ملموس در لهستان جریان دارد، واقعیتی که از استنما طبقه کارگر تحت مناسبات سرمایه داری حاکم، ماهیت ضدکارگری و بورژوازی حزب و دولت، رشد و گسترش مبارزه بین طبقات و... حکایت میکند. مبارزه طبقاتی کارگران لهستان اگر چه بر بستر یک حرکت نسبتا خودبخودی و بدون نقش مستقیم یک سازمان سیاسی انقلابی طبقه کارگر به مرحله تظاهرات بورژوازی حاکم در این کشور کشیده شده است اما نباید فراموش کرد که حتی این حرکت خودبخودی در شکلهای اولیه خود نتوانسته است، پیوندهای چنان محکمی در بین طبقه کارگر لهستان و در نقاط مختلف آن کشور بوجود آورد که علیرغم تلاشهای توطئه آمیز دولت بورژوازی رویزیونیستی به منظور پراکنده ساختن و گسستن اتحاد و یکپارچگی کارگران، آنها همچنان صف متحد خود را حفظ نموده و اعلام کرده اند که تا رسیدن به خواستههای طبقه کارگر لهستان دست از مبارزه و اعتصاب نخواهند کشید. نمونه سبکهای تفرقه افکنانه صوق الذکر رویزیونیستها را میتوان در مواظقت مقامات دولتی مبنی بر افزایش ۲۱٪ زلوتی (۷۰۰۰ ریال) به حقوق رانندگان اتوبوس و در مقابل، بازگشت آنها بر سر کار رستجو نمود که البته این پیشنهادها در مخالفت کارگران این بخش مواجده شده و توافق جد از خواستههای کل جنبش از طرف آنها رد شده است.

### رشد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و شکاف در بالا

بدون شک مبارزه طبقاتی طبقه کارگر در لهستان که اکنون به شکل اعتصابات گسترده و سراسری ادامه دارد، دارای پیامدهای است که نه صرفا فقط نتیجه مبارزه کارگران لهستان بلکه به معنای عمیق عام مبارزه طبقاتی در تمام جوامع طبقاتی میباشد. این پیامدها با حدت بحران اقتصادی از یک سو و رشد مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمات از سوی دیگر به شکل مختلف بیرونی نمایان میگردد. تغییر و تحولات اخیر در حزب بورژوازی رویزیونیست حاکم لهستان نیز در حقیقت تاثیر بلاواسطه مبارزات طبقه کارگر در ایجاد شکاف بین

بورژوازی حاکم در لهستان محسوب میشود. برکنساری "ژان پولاک" ز دفتر سیاسی و شورای مرکزی سندیکاها اخراج "ژرکو کا سیویک" شوربین رویزیونیست از بوروی سیاسی و "نادوس" و "راسکا" ز کمیته مرکزی و مهمترا ز همه استعفا "ادوار با بیوچ" نخست وزیر لهستان، همه و همه نشان میدهند که حزب و دولتیست بورژوازی لهستان برای فریب کارگران و خلاص شدن از بحران موجود دست به چنین تغییراتی زده است و در واقع برای مقابله با جنبش طبقه کارگر از زمان شیوه های رایج در کشورهای سرمایه داری یعنی تغییر یا ترمیم کابینه و... استفاده نموده است. با چنین اقداماتی رژیم میکوشد تا برای کارگران مسبارز لهستان و انمودا ز دکوریه اصلی بحران موجود در سیاستهای غلط کابینه و عواملی چند از دولت و حزب بوده است!

نکته قابل توجه اینکه تغییر و تحولات کاذب و صوری در حزب و دولت رویزیونیست، بهیچوجه مورد استقبال کارگران لهستان قرار نگرفته است. چه به سبب کیفیت اعتصابات و تفرقه جنبه های سیاسی آنها برجسته های اقتصادی شان و با لای بودن سطح آگاهی کارگران لهستان بخوبی بر ماهیت حزب و دولت رویزیونیست آگاهی داشته و میداند که این تغییرات بهیچوجه یک تحول سیاسی در سیاست و اقتصاد کشور نمیتواند باشد. بدینگونه که یکی از کارگران اظهار داشته است: "تحولات اخیر در مقامات دولتی بمنزله پیشرفت زیادی نیست به احتمال زیاد این تغییرات همانند دور آوردن یک کت کهنه و پوشیدن یک کت نومی باشد".

### اتحاد کلیسا و رویزیونیستها برای شکستن اعتصاب

بورژوازی رویزیونیستها، بدنبال تلاشهای مداوم در جهت به شکست کشاندن اعتصاب اکنون دست به دامان اسقفها شده و از آنها خواسته اند که با نطقهای تلویزیونی خود، اعتصابیون را به سرکار بازگردانند این اولین بار نیست که بورژوازی برای تسکین و مخفی کردن به حاکمیت خود سرکوب جنبش کارگران و زحمتکشان و ادامه استنما آنها، به کلیسا متوسل شده است. تاریخ انقلابات در سراسر جهان نشان میدهد که در اثر رشد مبارزه طبقاتی و خشنی شدن انواع شیوه های سرکوب و فریب ستیزان، بورژوازی، اسقفها، کشیشان و شخصیتهای مذهبی را برای مقابله با جنبش طبقه کارگر و مبارزات انقلابی آنان بکار گرفته است. اسقفها و کشیشان با تکیه بر اعتقادات مذهبی توده ها برای آنان سخنرانی میکنند نطقهای آتشین انجام میدهند، کارگران را از عقوبت ابدی اعتصاب و مبارزه میترسانند و محق بودن حاکمیت سرمایه داری و مترجمین را توجیه مینمایند. حزب بورژوازی رویزیونیست لهستان نیز در زمانی که در استیمال قرار دارد و برای مقابله با جنبش طبقه کارگر به استفاده از همین حربه دست زده است.

اسقف کلیسای "گدانسک" در مراسم دعا در روز یکشنبه هفته گذشته به کارگران گفته است: "اعتصاب بیفایده است و شما و خانواده تان نمیباید. اعتصابات شما بحران موجود را گسترش میدهد و جو متشنج را حادث میسازند! یا کار بدینال! استفان ویزینسکی" (اسقف

اعظم لهستان) نیز در ماحصلها گفته است: "اکثریست درخواسته های کارگران بحق میباشد ولی نباید متوقع انجام فوری آنان بود!"

براستی این شا به چشمگیرترین سخنان اسقف اعظم لهستان با اندرزهای کشیشان کلیساها ی کشور - های امپریالیستی غرب از کجا ریشه میگردد؟ آیا غیر از این است که بورژوازی در هر دو کشور برای فریب کارگران آنها را بصبر و بردباری دعوت میکند تا با تکیه بر اعتقادات مذهبی و تحمیل آنها و خاموش گردانیدن مبارزات آنان، بهره کشی از آنها را شدیدتر از پیش ادامه دهد؟ آیا با زهم میتوان در سرمایه داری بودن کشورهای رویزیونیستی لهستان تردید داشت؟ ما میبایسیم: سوسیالیسم مستقر در لهستان چگونه سوسیالیسم است که در آن رهبران "حزب متحد کارگران" برای نجات خود و مقابله با جنبش طبقه کارگر دست بردارند؟ ما مذهب گردیده اند؟! این سوسیالیسم، سوسیالیسم دروغین است و سوسیالیستی و نمود کردن این کشور بورژوازی رویزیونیستی جز فریب طبقه کارگر چیز دیگر نمیتواند باشد.

### اعتصابات کارگری لهستان و امپریالیستهای غربی

از آغاز اعتصابات اخیر در لهستان، ما شاهد تبلیغات وسیعی در جهت تخطئه حقانیت سوسیالیسم از جانب محافل و بلندگوهای امپریالیستهای غربی و دولت ارتجاعی بوده و هستیم. این تبلیغات نه در جهت افشای ماهیت دولت بورژوازی لهستان، بلکه عمدتا در آیین جهت بوده است که او نمودا زنده اعتصابات کارگری در لهستان، زائیده سوسیالیسم و ناشی از فشار سیاسی - اقتصادی رژیم "سوسیالیستی" و حاکمیت حزب و دولت با صلاح کمونیست لهستان بوده است. اینسان که بدستی دشمن اصلی و عمده خود را در وجود کمونیستها و آلمان و ولای آنها یعنی کمونیسم که همان آرمسان طبقه کارگر و توده های زحمتکش است میبینند، با تبلیغات ارتجاعی خود میخواهند توده ها را از "کمونیسم" و کمونیستها بترسانند. میخواهند توده ها را از "ایدئولوژی رهائی بخش طبقه کارگر و توده ها، دور ساخته و بیسازار نماید تا بدینبختی خود، استنما رکا و کارگران و زحمت کشان را باینحویتری اعمال نمایند. از طرفی رویزیونیستها ی خائن سه جانی نیز چه در مینما و چه در سطح جهانی همصدا با بلندگوهای امپریالیستی و براساس تئوری ضد خلقی سه جان از موضعی بغایت دست راستی و ضد انقلابی، برای کارگران لهستان با اصطلاح دل میسوزانند. با یکدقت این خائنین هدفی جز کشاندن طبقه کارگر لهستان بزیرویغ بهره کشی امپریالیستهای غربی ندارند، اینان که در دشمنی با سوسیالیسم امپریالیسم روس، خلقهای جهان را به قربان گاه امپریالیستهای غربی بویژه امپریالیسم آمریکا فرا میخوانند، نمیتوانند میان و مدافعان طبقه کارگر لهستان نباشند.

اینکه امپریالیستهای آمریکا، در شیکاگو تظاهراتی در با اصطلاح حمایت از کارگران لهستان برپا میکنند! اینکده تحادیه های با اصطلاح کارگری خدمتگزار امپریالیستها، در ژاپن از کارگران لهستان اعلام پشتیبانی میکنند و با همین حمایت نمابندگان

## شوراهای وابسته ضد کارگری را افشا و طرد کنیم



# پیرامون فاجعه گچساران و تحریک نیروهای انقلابی



کمیته خوزستان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در رابطه با فاجعه انفجار در روستای "ده بزرگ" گچساران اعلامیه‌ای بتاريخ ۵/۸/۵۹ منتشر کرده است که در زیر قسمت‌های آن را می‌خوانید:

"سیستم سرمایه‌داری وابسته یکباردیگر تعدد اکثریتی از زحمتکشان میهنمان را به مسلخ گشاند و خون پاکشان را در راه ادا مبالغه غارت، چپاول و استثمار گری بر زمین ریخت. حادثه روستای "ده بزرگ" از توابع بخش "پایتخت" گچساران برای هزارمین بار این واقعیت تاریخی را ثابت کرد که در نظام سرمایه‌داری آنچه که از همه کم اهمیت تر و بی ارزش تر است زندگی و جان زحمتکشان و خلقهای محروم و مستعبد می‌باشد، و تنها چیزی که در مدنظر قرار داده می‌شود است از غارت و استثمار بیشتر و کسب سود بالاتر."

با یکدیگر عمل می‌کردند ولی تا آنجا که در توان داشتند نیروگذاشتند، فعالیت نیروهای انقلابی و رفقای ما شامل موارد زیر بود:

جمع آوری وسایل مورد نیاز از قبیل نخ، دارو، پنبه و غیره از خانه‌ها و اربابان به محل حادثه، عده‌ای که موفق به تهیه وسیله نقلیه شدند خود را به محل حادثه رساندند، شرکت فعال و چشمگیر در خون‌رسانی به مجروحین، نقض نیروهای انقلابی در این حادثه بحدی بارز و ارزنده بود که مردم را تحت تاثیر قرار داده بود و مرتب مورد تشویق قرار می‌گرفتند. از جمله قضایای مردم یکی هم این بود که: "این کمونیست‌ها که می‌گفتند آدم‌های خوبی نیستند، ببینید چطور خوششان را میدهد و چطور به کمک می‌شنابند، پس کجا هستند آنها بی‌کسب و نامرد! ما از اسلام مردم مسضع می‌زدند، کمونیست‌ها که زودتر از آنها برای کمک آمده‌اند، "و یا اینکه" اینها واقعا طرفدار خلقند و خلقی است، "به هر صورت مردم در غیبت و در تجربه بخوبی درک کردند و می‌کنند که این کمونیست‌ها هستند که طرفداران واقعی مردم زحمتکشان می‌باشند."

## معین فر...

بقیه از صفحه ۱۶

علت مسلمانان ایران! "لقب گرفته‌اند، از جهل خوری دارد؟! از اینکه چرا رئیس و پرورژه ما ختمای نهی ما واک را بدون نظار و اضا و تصویب کرده است و نگذاشته است آقای معین فر، خودش اجرای پروژه ما ختمای نهی ما واک را تا به آخر دنبال کند و ما زوداً کوشش کنیم؟

به این ساوکی مکتبی و حزب جمهوری اسلامی که او را کاندیدای نمایندگی مجلس کرد و نیز به تسواری انقلاب "که" و عضویت آنرا را داده است باید گفت: آقایان! مبارزات بوده‌ها مجال "ترکبازی" چندانی شما نخواهد داد!

در اعلامیه پس از شرح چگونگی ماجرا، سوال شده است:

"آیا حادثه انفجار در روستای "ده بزرگ" صرفاً یک رویداد اتفاقی بوده است؟

ما می‌پرسیم آیا مقامات وزارت راه از وجود این انبار در وسط یک روستا و در یک چنین شرایطی بی‌خبر بودند؟

ما می‌پرسیم آیا ژاندارمری، ارتش و سپاه پاسداران از وجود چنین انباری که برای اطلاق نداشتند؟! پاسپاه پاسدارانی که وجود یک قبضه سلاح در نزد قریب انقلابی از نظرش بهتر است نمی‌ماند بطوری که فرد مذکور را به آستانه اعدامی گشاند می‌تواند ادعا کند که از وجود این انبار و در یک چنین شرایط خطرناکی بی‌اطلاع بوده است؟

مسلم است که وجود یک انبار مواد منفجره در یک چنین شرایطی که مرگ، تعداد زیادی از زحمتکشان را تهدید می‌کرد برای همه آنها حتی با اندازه مرگ سوزن هم اهمیت نداشته است.

آیا بی‌توجهی همه مقامات اداری و اجرایی، وجود یک انبار مواد منفجره، وجود روستایی که ساکنان زحمتکش آن در شرف خیزش و در منطقه کشور در شرایطی فلابت با ریزش کبر و سرمایه‌بان زندگی میکنند، همه و همه را می‌توان اتفاقاتی دانست که جمع شده‌اند و منتظر جرقه‌ای از یک دستگا جوشکاری ما ندهند تا از آن یک فاجعه پدید بیاید؟"

اعلامیه پس از افاشای تاخیر و تعلل مقامات مسئول در کمک رسانی و جمع آوری اجساد و انتقال مجروحین به فعالیت نیروهای انقلابی در این رابطه اشاره کرده، مینویسد:

"شرکت نیروهای انقلابی و از جمله هاداران سازمان ما در این جریان بسیار فعالانه و خوب بوده است. هر چند این نیروها بدون سازماندهی مناسب و هماهنگی

امپریالیستی‌های آلمان و فرانسه و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و حزب بهشتی‌ها و رفسنجانی‌ها در ایران از کارگران مبارز لرزه‌ناستان، در جهت حمایت و تقویت جنبش طبقه کارگر در لرزه‌ناستان نیست بلکه این حمایت‌های در جهت بی‌اعتباری و خنثی‌سازی سوسیالیسم و ترساندن توده‌ها از کمونیسم انجام می‌گیرد. اینها همه تلاشهایی هستند که وحشت عمیق بورژوازی امپریالیسم و کمونیسم را نشان می‌دهند. بر ما روشن است که دلسوزی!! امپریالیسم آمریکا برای کارگران لرزه‌ناستان نه بیشتر همبستگی زحمتکشان آمریکا با کارگران لرزه‌ناستان، بلکه بر بنیسترتفا ده‌ای دو بلوک امپریالیستی غرب و روسیه و اقامتشان انجام می‌گیرد. امپریالیسم آمریکا با تکلیف بر اعصاب تا تاخیر در لرزه‌ناستان سعی دارد بحران درونی خود را که ناشی از گفندیگی نظام امپریالیستی است پنهان نگهدارد و او نمودار زنده هیچ اعتصابی در کشورهای سرمایه‌داری بوقوع نمی‌پیوندد. حال آنکه هم در کشورهای امپریالیستی غرب و هم در شوروی سوسیال امپریالیستی و کشورهای اروپای شرقی، بعلمت وجود بحران سیاسی - اقتصادی که معلول سیستم موجود است، مبارزه طبقه کارگر گرفته و جریان مبارزه مبارزه طبقه کارگر لرزه‌ناستان علیه بورژوازی حاکم در آن نیز با نگره‌مین واقعیت است.

تودیدی نیست که در کشور بورژوازی - رویزیونیستی لرزه‌ناستان، طرح برخی خواسته‌های راست‌روانها از جانب کارگران نمیتواند مورد حمایت برخی محافل و عناصر طرفدار سرمایه‌داری غرب قرار بگیرد و جلوه‌ها را از این حمایت را میتوان در خواستن "آزادی مذهبی" توسط کارگران لرزه‌ناستان، این محافل مذبحانهمی - کوشنده‌ها مبارزه کارگران را بفتح خود به انحسراف بکشاند. اما نباید فراموش نمود که مبارزه طبقه کارگر لرزه‌ناستان در اساس خود اصیل است و مبارزه‌ای بر ضد بورژوازی حاکم می‌باشد.

در شرایط حاکمیت بورژوازی و سیستم دیکتاتور وجود، خواسته‌های سیاسی کارگران مبتنی بر آزادی بیان، آزادی مطبوعات، تشکیل اتحادیه‌های آزاد کارگری، حق اعتصاب و خواسته‌های اقتصادی آنها نمیتواند بر افزایش دستمزدها، کاهش قیمتها، بهبود بخشیدن به شرایط کار و... همه و همه ما بهیت مترقیانه و انقلابی مبارزه طبقه کارگر لرزه‌ناستان را نشان میدهد. در لرزه‌ناستان سرمایه‌داری حاکم است و نه سوسیالیسم و همین خاطر کارگران علیه سیستم حاکم مبارزه میکنند. مبارزه آنها "فدوسیالیسم" نیست بلکه بر علیه سیستم بهره‌کشی سرمایه‌داری می‌باشد. سیاستهای اقتصادی - اجتماعی بورژوازی حاکم و حاکمیت مناسبات سرمایه‌داری در لرزه‌ناستان از یکسو و آگاهی کارگران بر علیه سوسیالیسم دروغین رویزیونیستها از سوی دیگر است که طبقه کارگر لرزه‌ناستان را به مبارزه‌ای این چنین علیه حزب دولت گشاده است.

## جنبش طبقه کارگر لرزه‌ناستان و رویزیونیستها و دنباله روان آنها در ایران

از آغاز اعتصابات کارگری در لرزه‌ناستان، سازمانها و تشکلهای م. ل. ایران از جمله سازمان ما موضع صریح و روشن خود را با اتکا بر جنبش ضد رویزیونیستی و ضد سوسیالیسم امپریالیستی خود، در مقابل مبارزات کارگران لرزه‌ناستان اعلام نمودند. بدون شک تحلیل ما از اعتصابات اخیر جزئی از مبارزات ضد رویزیونیستی ما می‌باشد. و حمایت و دفاع ما از مبارزات طبقه کارگر لرزه‌ناستان نیز

رویزیونیستها، منتهی بر استقرار سوسیالیسم و دستاورد - های آن!! در اروپای شرقی، ما بوضوح شاهد مبارزه طبقه کارگری حادی در این کشورها بوده‌هستیم. مبارزه طبقه کارگری ای که نه‌ناشی از این با آن نارسایی در ساختن با مصالح سوسیالیسم رویزیونیستها، بلکه ناشی از استثمار طبقه کارگر تحت مناسبات سرمایه‌داری و حاکمیت رویزیونیسم می‌باشد.

ما در شرایط بعد مومکتیری نیروهای سیاسی ایران را در مقابل وقایع اخیر لرزه‌ناستان سرری خواهم کرد.



# معین فر: ساواکی مکتبی!

ما بسیاری دیگر از نیروهای کمونیستی و انقلابی، از همان فردای قیام که بعضی از سرمایه داران، و کمانی که در گذشته با رژیم شاه همگاری داشتند به قدرت رسیدند بشهادت شریکیمان چه بکار رفته است و... در تهران و شیراز، آنها را برای توده ها افشا کردیم، منجمه علی اکبر معین فر سرپرست سابق سازمان برنا مسعود بودجه (در دولت بازرگان) و وزیر تعلی نفت را مورد افشاکاری قرار داده ستان تا جاکه از طرف شاه در یافت و همگاری با ساواک بعنوان مهندس ناظر با ختمانیا و کتیبه ها همی با ساواک را با چاپ ستاد افشا نمودیم (تراکت شماره ۵۹ مورخه ۵۹/۲/۲۵) دولت موقت با بزرگان و شورای انقلاب بیستوی صردوروزنا مه - های جمهوری اسلامی و... کوچکترین توجی به این افشاکاریها و مدها ستدی که خودشان در دست داشتند، کردند (والیسته بنا به ما همتان نمینوا ستندکنند) و کمونیستیا و نیروهای انقلابی افشاکندرها "گافرو" صاف و صدا انقلاب و امریکا نی و... "خوابندند و لیبی جالابسا از" خوابی بصره "همان افشاکاریها در" مجلس شورای اسلامی" مطرح، نمود و مثلا اعتبارنا مه معین - فر بیجان دلائل زیر سوال میروند.

اما اینجا برخلاف موردی که برای مدتی پیش آمد معین فر زیر حتما بت حزب جاکم قرار میگیرد و "ساواکی مکتبی" از آب در میآید، ثلثا نیز علی محمدیسا رنی ساواکی خاثن و توطئه گری که با اطلاع نماینده مسردم چهره در مجلس است یا عسکرا ولادی و بسیاری دیگر که ما در حد توان خود برده از چهره ها ستکاران برداشته ایم با پشتوانه حزب جاکم، اعتبارنا مه ستان تصویب شد.

تا زه جدا ک؟ مگر از قدیم نگفته اند: بیلدیک بیلسه چنندر؟!!

نگته جالب اینکه آقای معین فرد در دفاع از اعتبارها مه خود در مجلس، ضمن آنکه افشاکاری علیه خودش را بیه درستی به نیروهای کمونیستی منجمه سا زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر نسبت میدهد، کارگران مبارز صنعت نفت را هم که به استناد دبه همان استادوا مثال آن، بهاء و اعتراض کرده استا ر سا راج او وزارت نفت شده اند با اطلاع مورد حمله قرار میدهد (اطلاعات ۳ شهریور) و آنها را "جنشی" (هوادار رجها هدین) می - خواند، و در "دفاع" از اینکه مهندس ناظر با ختمانیا ی ساواک (بخوان نکنجه گاها) بوده است میگوید:

"در مورد ساختمان ساواک من بعنوان ناظر در رابطه با مسئولیتی که داشتیم بر او را بررسی کردم ولی بعد از اینکه قرار بود نقشه را بررسی کنیم دهم که عین پروژه بدون نظرم از طرف رئیس مربوطه امضاء و تصویب شده است و بعبارت دیگر اطلاع داشتند من بدانم ساختمان چه شد و چگونه ساخته شد."

آیا میدانی آقای معین فر، این نماینده مجلس شورای اسلامی که جمعا با همفکارانی، "عصاره فلیست

# گرامی باد دوازدهمین سالگرد شهادت رفیق صمد بهرنگی، معلم و نویسنده انقلابی زحمتکش

"مرک حلی آمان میواد الان سراج من بیاید! اما من تا میوام زندگی کمینا بدنه سواز مرگ بروم، البته اگر مرگ وقتی ناچار با مرگ روبرو شوم - که می شوم - بهم نسبت میمان من است که زندگی با مرگ من جدا نری در زندگی دیگران دانستند..."

(ماهی سیاه کوچولو)



که همه چیز از برده بیرون افتاده، آشکارا با اشرف و جلادان با دهنه میذا کرده می نشیند، و از طرف دیگر عوامل داخلی آنها نیز چه در درون حکومت و ارتش و چه در بیرون آن، با استفاده از رفاقتی شده ها که به علت ساستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی بطور روز افزونی اوج میگردد، شبکه های ضد انقلابی خود را گسترش می بخشد.

اکنون در بسیاری از شهرهای ایران، طرفداران سختی را صاحبان از طرفداران می کنند و آرزوی بازگشت او را دارند، با وجود اینکه کمتری است که از ما هیت بیلدیک خنیا رو همی لکی ها نی همچون او بی ما با لیریا بنا و مدتی ها با اطلاع با ما وجود اینکه خیانت آشکار بختیا روسا زین او با شاه برای حفظ سلطنت، بر کسی پوشیده نیست و با وجود اینکه "سی - اختیار" بدون این توکر جیره خوار آمریکا بر همگان روشن است، آری با وجود همه اینها بختیا را آرزوی حکومت برای ایران را در سری برورا ندان این امر را چگونه میتوان توضیح داد؟

واقعیت است که هیت ها که حکومت جمهوری اسلامی، (با همه درگیریهای که بین جناحهاش وجود دارد)، بدلیل ماهیت ضد موکراتیک و ضد مردمی اش و مجموعه سیاستهای ارتجاعی و عقب مانده اش توده ها را از خود میزاند، آری در واقع عملکردهای رژیم باطل عهد تقویت بنا بکار بختیا راست.

توده های که تحقق آمال و آرزوهای خود را در حاکمیت "رژیم جمهوری اسلامی" میدهند و از این رو فعالانه بختیا نی اش میگردند، اکنون رفته رفته در می یابند که حکومت جمهوری اسلامی با رای با سخگونی به خواستهای بنان را نندارد و دارای ماهیتی ارتجاعی است و چنین است که از آن روگردان می شوند و بختیا از آنان بعلت فقدان آگاهی لازم به خود فرختگانی چون بختیا را میدمیدند. مناسفانه با بدگفتار آنجا که هنوز در جاهای مختلف قدرت حاکمان انقلابی شکست نگرفتند و شکلی انقلابی و کمونیستی موجود علی رغم رشد و پایداری نسبی، هنوز فاد در حذب، بسج و سا زمان - دهی این روی برنا فتگان از قدرت حاکم شده اند لذا با بدبختیا را بر خورداری از ستوانه وسیع - اربابان امپریالیست، از امکانات بیشتری برای

# باند بختیار - اشرف - اوپسی همچنان توطئه می کنند

امپریالیسم آمریکا پس از کشف و سرکوب توطئه کودنای امپریالیستی بختیار - سیا و غلبنی شدن روابط بینایی وی با مزدورانی چون یالیزبان و اوپسی، به توطئه های ضد انقلابی خود ابعاد وسیعتری بخشیده است. ملاقات بختیا با اشرف و اوپسی که در آخرین روزهای سردا دما دربار رس صورت گرفت گونه - ای از این توطئه ها است. این مزدوران خود فروخته با امکانات وسیعی که امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپائی اش در اختیار آنها گذاشته اند، خواب حکومت مجدد برای ایران را میسند. اگر پیش از این بختیا رو همی لکی های داخلی اش همچون جبهه ورنگته بیه اصطلاح ملی کوس و افری در پیشان کردن ارتباطات خود با جلادانی چون اوپسی و پالیزبان داشتند، اکنون



چهارمین روز  
شهادت  
شهریور

رفیق تقی شهرام  
رادر بهشت زهرا، قطعه ۴۱ ساعت ۵ تا ۷ عصر  
گرامی می داریم

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست